

پژوهش‌های حقوقی

علمی - ترویجی

شماره ۳۲

هزار و سیصد و نود و شش - نیمسال دوم (دوفصلنامه)

- ۷ **تبیین اصول مقررات‌گذاری بانکی در پرتو نظام حقوقی ایران**
دکتر علی اکبر گرچی - دکتر هدیه‌سادات میرترابی
- ۳۷ **تعیین مسؤوّل حادثه رانندگی از میان مالک و راننده اتومبیل با نگاهی به قانون بیمه اجباری مسؤوّلیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی**
دکتر حمید بهرامی احمدی - رضا آقاعباسی
- ۵۹ **مبنا و حدود مسؤوّلیت مدنی پیمانکار**
شهرام کریمی تازه‌کند - دکتر محمود عرفانی - دکتر جواد واحدی‌زاده
- ۹۹ **حقوق بین‌الملل معاصر: حقوق مبتنی بر تعامل یا تعارض؟**
دکتر حوریه حسینی اکبرنژاد - دکتر هاله حسینی اکبرنژاد
- ۱۲۹ **بررسی مبانی فقهی و حقوقی ماده ۸۵۲ قانون مدنی**
دکتر سید محمدصادق طباطبایی - فاطمه کریمی
- ۱۴۵ **اصول استقلال و بی‌طرفی در رادیو و تلویزیون‌های خدمت عمومی با تأکید بر ایران**
نفیسه معارفی
- ۱۷۷ **تعیین نظام حقوقی حاکم بر پروازهای تفریحی فضایی**
امینه فراستمند
- ۲۰۹ **بررسی تحلیلی برخی از جنبه‌های حقوقی برات از دریچه لایحه نوین تجارت**
دکتر حمید میری - سیروس شهربازی - مصطفی عابدین‌پور
- ۲۴۵ **بررسی حوزه‌بندی انتخابات قوه مقننه ایران از منظر معیارهای حوزه‌بندی انتخابات آزاد و منصفانه**
سید یاسین حسینی
- ۲۶۹ **بررسی نظام حقوقی بیمه‌های خدمات درمانی در ایران با مقایسه بیمه‌های درمانی در آمریکا**
دکتر عمران نعیمی - محمد شریفی سلطانی
- ۲۹۳ **تأثیر قوانین مربوط به تملک املاک بر معاملات املاک شهری**
شهناز سیف‌الهی





بررسی تحلیلی برخی از جنبه‌های حقوقی برات از دریچه لایحه نوین تجارت

دکتر حمید میری*

سیروس شهریاری** - مصطفی عابدین‌پور***

چکیده:

در نگارش لایحه، کوشش شده است که با بهره‌گیری از مقررات فراگیری همچون کنوانسیون‌های ژنو و آنسیترال درباره برات و سفته، کاستی‌های موجود در قانون تجارت زدوده شود؛ از این رو، ارائه تعریفی از برات و پرداختن آشکار به برخی از ویژگی‌های برات به عنوان سند تجاری^۱ همچون اصل استقلال امضاءها و نیز

مجله پژوهش‌های حقوقی (علمی - ترویجی)، شماره ۳۳، نیمسال دوم ۱۳۹۶
صفحه ۲۰۹-۲۴۴، تاریخ ویرایش: ۱۳۹۳/۱۲/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۴/۲۵

Email: Ha_miri@sbu.ac.ir

* استادیار گروه الهیات دانشگاه گنبد کاووس، نویسنده مسؤول

Email: Sirousshahryari@gmail.com

** عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر

Email: Mostafaabdeinpour@gmail.com

*** کارشناس ارشد حقوق خصوصی از دانشگاه مازندران

۱. برخی (نیک‌بخت، حمیدرضا و همکار. «قابلیت معامله اعتبار در حقوق اعتبارات اسنادی؛ مطالعه‌ای در مفهوم، شرایط، آثار و ماهیت حقوقی معامله اعتبار»، تحقیقات حقوقی (ویژه‌نامه) ۵ (۱۳۹۰)، ۳۸۱) با برگزیدن اصطلاح «سند قابل معامله» گفته‌اند که: «منظور از معامله کردن سند تجاری، عملی حقوقی است که به مقتضای آن در صورت جمع بودن سایر شرایط (همچون حسن نیت منتقل‌الیه)، مالکیت طلب مندرج در سند تجاری عاری از عیوب و ایرادات موجود در رابطه معاملاتی پایه یا عیوب موجود در مالکیت دارنده یا دارندگان پیشین سند به دارنده جدید سند تجاری انتقال می‌یابد. در این معنا، معامله نمودن سند تجاری، روش تجاری انتقال اسناد براتی بوده و در نقطه مقابل عمل حقوقی واگذاری مدنی طلب قرار دارد». این دیدگاه که به نظر، بیشتر متأثر از کد یادشده باشد زیرا، این کد، در بند «الف» از بخش ۲۰۱ ماده ۳، واژه «Negotiation» را به: «واگذاری اختیاری یا غیراختیاری ملکیت (دارندگی) سند از سوی کسی جز صادرکننده به کسی که پس از آن، دارنده سند می‌شود»، تعریف نموده است در حالی در بخش ۲۰۳ پیرامون انتقال (Transfer) سند می‌افزاید: «انتقال سند هنگامی رخ می‌دهد که سند از سوی شخصی غیر از صادرکننده به شخصی که حق مطالبه سند را خواهد داشت، تسلیم شود» و بند «ب» نیز مقرر می‌دارد: «انتقال سند خواه واگذاری دارندگی باشد یا خیر، به انتقال‌گیرنده هرگونه حق انتقال‌دهنده درباره مطالبه سند را خواهد داد...» که بدین‌سان، در این کد، انتقال سند، معنای فراگیری داشته به گونه‌ای که هم دربرگیرنده واگذاری دارندگی و هم صرف واگذاری می‌گردد. نکته برجسته این است که پیرو بخش ۲۰۱، واگذاری دارندگی با زدن امضاء یعنی، پشت‌نویسی (Indorsement) انجام می‌گیرد و مطابق بخش ۳۰۲، تنها عمل صدور و چنین واگذاری‌ای - با پشت‌نویسی - دارنده نوین را در جایگاه دارنده با حسن نیت قرار داده که بدین ترتیب وی از امتیازهای ویژه سند برخوردار می‌گردد. به هر روی، از دریچه گزینش اصطلاح درخور فارسی برای اینگونه اسناد،

تصریح به امکان کامل نمودن برات ناقص و امکان گرو گذاشتن برات و پشت‌نویسی به عنوان وثیقه و نیز به دست دادن راهکار آشکاری پیرامون شناسایی ماهیت حقوقی امضای صرف بر برات از برجسته‌ترین ویژگی‌های این لایحه به شمار می‌آید. به گونه کوتاه باید گفت که از مقررات این لایحه نمی‌توان به حکم روشنی درباره ماهیت برات دست یافت اگرچه تحلیل آن به عنوان عمل حقوقی معین، برتر جلوه می‌نماید. چنانچه بخواهیم تفسیر لفظی از واژگان لایحه به کار بندیم، برات کش و برات‌گیر نمی‌توانند یک نفر باشند. همچنین پیرامون تکمیل برات ناقص باید دانست که عمل تکمیل، برات را از هنگام صدور معتبر نموده اگرچه پیش از تکمیل، امکان پشت‌نویسی آن وجود ندارد.

کلیدواژه‌ها:

ماهیت حقوقی، برات ناقص، قبولی برات، پشت‌نویسی، ضمانت.

مقدمه

از هنگامی که پیش‌نویس لایحه بازنگری در سال ۱۳۸۴ از سوی وزارت بازرگانی به تصویب رسید و سپس، از سوی کمیسیون حقوقی و قضایی هشتمین مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۰ پس از دگرگونی‌هایی به تصویب رسید تا به امروز، بیش از یک دهه می‌گذرد.

واژگان «سند قابل معامله» رسا و جامع نخواهد بود؛ آری، اگر منظور این باشد که خلاف سندی که تنها گویای طلب و دلیل اثبات بوده، سند مورد بحث، مالی است در جرگه دیگر اموال که خود آن موضوع داد و ستد و قرارداد است، توجیهی برای آن می‌توان یافت ولی، گفتن این عبارت که «عملی حقوقی است که به مقتضای آن ... مالکیت طلب مندرج در سند تجاری ... به دارنده جدید سند «تجاری» انتقال می‌یابد»، خلاف این برداشت را می‌رساند بلکه، گزینش این واژه، به لحاظ اشاره به ویژگی‌های بنیادین اینگونه اسناد انجام پذیرفته است در حالی که این عنوان گویای آن نبوده و از این دریچه، بر اصطلاح «سند قابل انتقال» برتری نخواهد داشت. افزون بر این، هدف بنیادین تلاش برای ارائه اصطلاحی درست‌تر، به ادبیات حقوقی اختصاص دارد و گرنه می‌دانیم که برای غیرحقوقدانان و یا برای کاربران چنین اسنادی، عنوان اهمیتی ندارد. از این روی، روشن است، هنگامی که ما در نوشتارهای حقوقی از واژگان «اسناد قابل انتقال» بهره می‌گیریم، منظور این است که سند قابلیت انتقال داشته به گونه‌ای که با واگذاری آن، حقوق دربر آن نیز واگذار شود نه اینکه منظور قابلیت انتقال مادی سندی باشد که این شیء تنها گویای حق است؛ انتقالی که حتی اگر خود در چهارچوب عمل حقوقی درآید، بی‌نیاز از عمل حقوقی واگذارکننده حق یا طلب نخواهد بود. جدای از اینها، دست‌کم در حقوق ما، ویژگی‌های بنیادین اینگونه اسناد برآیند حکم قانون‌گذار است نه خواست طرفین تا بتوان با توصیف عمل واگذاری به عنوان معامله، این موارد را بر آن بار نمود.

قانون تجارت^۲ مصوب ۱۳۱۱، قانونی که دو سال پس از تصویب کنوانسیون ژنو پیرامون برات و سفته^۳ تصویب، بیش از ۸۰ سال از زندگانی آن گذشته و اینک که با دگرگونی شرایط، بازنگری در آن بایسته بوده، در «باب چهارم» خود، نخست به برات، سپس، سفته و در پایان، به چک نگرش داشته و به ترتیب، ۹۴ ماده را ویژه برات، ۳ ماده را ویژه سفته کرده و در ۸ ماده به گفتار چک پرداخته است. نوشتارهای حقوقی نیز پیرو شیوه‌ای که قانون‌گذار برگزیده، نخست به برات، سپس سفته و در پایان به چک پرداخته‌اند. با این حال، با گذشت زمان و پیدایش شیوه‌های نوین پرداخت، اندک‌اندک از رواج برات کاسته شد و در برابر، بهره‌گیری از سفته و به ویژه، چک جای آن را گرفت همچنان که انگشت‌شماری از نویسندگان به این دگرگونی نگرش داشته و نوشته‌های خویش را بر پایه آن ساختار بندی نموده‌اند.^۴ ولی، امروزه، به جرئت می‌توان گفت که بهره‌گیری از شکل سنتی برات^۵ در میان افراد در درون کشور از رواج افتاده و این در حالی است که هم در پیش‌نویس لایحه تجارت و هم لایحه مواد گسترده‌ای ویژه آن شده است؛ هرچند در پیش‌نویس لایحه، برات ۹۲، سفته ۶۸ و چک ۷۹ ماده را به خود اختصاص داده شده بود ولی در نهایت شگفتی، در لایحه نهایی، بدون نگرش به ساعت‌ها بررسی کارشناسانه، این مواد به گونه کلی کاهش یافت به گونه‌ای که ۸۰ ماده درباره برات، ۵ ماده درباره سفته و ۴۹ ماده پیرامون چک برجای ماند و با اینکه در پیش‌نویس لایحه، یکی از دلایل بازنگری قانون تجارت در زمینه اسناد تجاری، «تسری ناقص قواعد برات به چک و سفته به نحوی که درک احکام چک و سفته در قانون تجارت با دشواری مواجه شده» عنوان شده بود، بار دیگر می‌بینیم که در لایحه پایانی که اکنون در مجلس شورای اسلامی خاک می‌خورد، به شیوه برگزیده قانون تجارت بازگشت شده و تنها ۵ ماده ویژه سفته گشته است! نکته برجسته دیگر اینکه خلاف پیش‌نویس لایحه^۶ که در آن، ترتیب بیان مقررات اسناد تجاری به شیوه چک، سفته و برات بود، لایحه پایانی بار دیگر به شیوه

۲. زین‌پس، هر کجا که نشانه کوتاه «ق.ت.» به کار بسته شود، منظور «قانون تجارت» خواهد بود.

3. Convention Providing a Uniform Law for Bills of Exchange and Promissory Notes (Geneva, 1930).

۴. برخی از حقوقدانان (حسن حسنی، حقوق تجارت (تهران: نشر میزان، ۱۳۷۸)، چاپ نخست)، نخست از سفته، سپس، برات و در پایان از چک سخن گفته‌اند و برخی دیگر (کورش کویانی، حقوق اسناد تجاری (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۳)، چاپ نخست) در آغاز به چک، سپس، سفته و در پایان به برات پرداخته‌اند.

۵. تا چندی پیش، برخی از بانک‌ها اقدام به صدور برات کارت‌تی به نام «برات کارت تضمینی» می‌نمودند.

۶. زین‌پس، هر کجا که نشانه کوتاه «پ.ت.» به کار بسته شود، منظور «پیش‌نویس لایحه تجارت» خواهد

قانون‌نویسی در قانون تجارت بازگشت نموده و این ترتیب را وارونه ساخته است. البته، همان‌گونه که در ادامه گفته، ستایش و نکوهش می‌شود، هرچند بیان مقرره‌ای درباره سند بازرگانی الکترونیکی دربر توانمندی‌های این لایحه می‌رود ولی، از آنجا که در همین موارد نیز نیاز به پیش‌بینی مقررات ویژه و افزون‌تری بوده است، پای فشاری و تمرکز دوباره بر روی برات کاغذی با وجود وضعی که درباره میزان بهره‌گیری از آن گفته شد، امری است نکوهیدنی.

با وجود این، چه بسا این احتمال هست که با آنچه درباره میزان بهره‌گیری کنونی از برات گفته شد، اساس موضوع برگزیده شده برای این نوشتار مورد نکوهش قرار گیرد. با این حال، اگرچه این نکوهش تا اندازه‌ای پذیرفتنی است ولی، از آنجا که به احتمال بسیار دگرگونی شگرفی در بخش اسناد بازرگانی این لایحه روی نخواهد داد، بررسی برات از دریچه لایحه نوین بایسته خواهد بود تا از این راه بررسی مقررات این لایحه پی گرفته شود.^۷

از این رو، در کنار بررسی موضوع‌های بنیادین پیرامون برات، تلاش می‌شود از دو دریچه برابری انجام گیرد؛ نخست، برابرکرد احکام با مقررات سفته و چک و امر دیگر، برابری دادن آنها با مقرراتی همچون کنوانسیون یکنواخت ژنو درباره برات و سفته و کنوانسیون آنسیترال درباره برات و سفته بین‌المللی^۸ مصوب ۱۹۸۸ و قوانین برخی از کشورها. این تطبیق‌ها از این دید انجام می‌گیرد که بررسی مقررات برات در پیش‌نویس و لایحه^۹ نشان می‌دهد که دو کنوانسیون نام برده شده، از منابع اصلی پیش روی نویسندگان بوده و در این راستا، گاه کار نویسندگان لایحه ستایش و گاه نکوهش‌هایی روا داشته و پیشنهادهایی به دست داده خواهد شد.

به هر روی، در این زمینه تلاش می‌گردد، به پرسش‌های برجسته‌ای پاسخ گفته شود؛ ماهیت حقوقی عمل صدور برات یا پذیرش برات از سوی شخص ثالث چیست؟ برات بی‌امضاء یا با مهر امضاء چه اثری خواهد داشت؟ تکمیل برات ناقص از چه هنگام اثر دارد؟

۷. رضا زارعی، حمید میری، «بازخوانی ویژگی‌های اختصاصی شرکت سهامی از دریچه لایحه جدید قانون تجارت»، حقوق خصوصی، دوره هفتم، ۱۷ (۱۳۸۹)، ۱۹۳-۱۶۵؛ حمید میری، مصطفی عابدین‌پور، «بررسی مقررات برات از دریچه لایحه نوین تجارت»، در مجموعه مقالات همایش ملی نقد و بررسی لایحه جدید قانون تجارت (مراغه: دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه، ۱۳۹۱)، ۲۸۳-۳۱۴.

8. UNCITRAL Convention on International Bills of Exchange and International Promissory Notes, 1988.

زین‌پس، نشانه کوتاه «ک.آ» در نوشتار، نشان‌گر کنوانسیون یادشده خواهد بود.

۹. زین‌پس، هر کجا که نشانه کوتاه «ل.ت» به کار بسته شود، منظور «لایحه تجارت» خواهد بود.

صرف امضاء بر روی و یا پشت برات چه عمل حقوقی‌ای شمرده می‌شود؟ اثر حقوقی بازداشتن از پشت‌نویسی برات چیست؟

بر پایه آنچه در بالا گفته شد، در آغاز کلیاتی که دربرگیرنده تعریف برات، بررسی ویژگی‌ها و درون‌مایه آن است، به میان آمده، در بخش پسین، از شرایط شکلی بایسته برات و ضمانت اجرای آنها و در بخش‌های دیگر، از پذیرش برات، پشت‌نویسی، ضمانت، گونه‌ها و مسائل برجسته پیرامون آنها سخن گفته خواهد شد.

۱- کلیات

۱-۱- تعریف برات

یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های لایحه تجارت نسبت به قانون تجارت، ارائه تعریفی از برات و نیز سند تجاری است در حالی که در قانون تجارت، نه از سند تجاری و نه از برات تعریفی دیده نمی‌شود و بر همین پایه، تعریف‌هایی از سوی حقوقدانان انجام گرفته است؛ برخی^{۱۰} با پای‌فشاری بر رابطه مبنایی میان صادرکننده برات و برات‌گیر تعریفی داده‌اند در حالی که تعریف برات باید بر پایه درون‌مایه حقوقی آن باشد. همچنین است، تعریفی^{۱۱} که برات را به سندی که بر پایه آن، امضاءکننده (صادرکننده برات) از شخصی معینی می‌خواهد که در وعده تعیین شده، مبلغی را در وجه شخص سومی یا به حواله کرد وی یا در وجه حامل پرداخت نماید، تعریف می‌نماید. در برابر، برخی دیگر^{۱۲} با نگاهی به سرشت حقوقی برات، با الهام از قرارداد حواله تعریفی به دست داده‌اند.

به هر روی، در لایحه تجارت، نویسندگان، نخست به ارائه تعریف فراگیری از اسناد [سند] تجاری پرداخته و سپس، برای شناخت اسناد تجاری گوناگون، در هریک از نمونه‌های سند تجاری، تعریفی ویژه آن سند را به دست می‌دهند. پیرو ماده ۷۰۱ ل.ت. که در «کتاب

۱۰. محمود عرفانی، حقوق تجارت (تهران: میزان، ۱۳۸۵)، جلد سوم، چاپ دوم، ۲۲-۲۱.

۱۱. محمد صقری، حقوق بازرگانی: اسناد (تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰)، جلد نخست، چاپ یکم، ۳۲؛

حسینی، پیشین، ۴۷۹.

۱۲. جواد افتخاری، حقوق تجارت سه: نظری و کاربردی، اسناد تجاری، بانکی، خزانه، اوراق قرضه و اسناد حمل و نقل (تهران: کیا، ۱۳۸۰)، چاپ نخست، ۴۳؛ بهرام بهرامی، حقوق تجارت کاربردی (تهران: نگاه بینه - بهنامی، ۱۳۸۲)، چاپ یکم، ۱۴۸؛ محمدعلی عبادی، حقوق تجارت (تهران: گنج‌دانش، ۱۳۷۰)، چاپ هفتم، ۲۲؛ حسین قلی‌کاتبی، حقوق تجارت (تهران: پیام، ۱۳۵۴)، ۱۸۵؛ کاویانی، پیشین، ۳۴.

سوم» و زیر نام «اسناد تجاری» آمده، سند تجاری به معنای فراگیر آن؛ «سندی است که شکل آن مطابق قانون تنظیم می‌شود و به موجب آن تعهد مستقل پولی یا غیرپولی بر عهده صادرکننده و یا دیگری ایجاد می‌گردد» و ماده ۷۰۲ در «باب یکم» در تعریف برات^{۱۳} می‌افزاید: «برات، سندی است که به موجب آن شخصی به دیگری دستور بی‌قید و شرط می‌دهد...» همچنین، با نگرش به این تعریف، باید گفت؛ تعهد(های) براتی هنگامی شکل می‌گیرد(ند) که موجودی به نام سند در جهان اعتبار به شکل راستین آن درآید و ویژگی‌های یا رکن‌های بایسته سند عبارتند از وجود نوشته و امضاء و قابلیت استناد آن در دعوا^{۱۴}. از این رو، نوشته بودن از ویژگی‌های ماهوی یک سند به شمار می‌آید، البته، بایسته نیست که این رکن به شیوه سنتی آن یعنی، بر روی برگه‌های کاغذی انجام گیرد زیرا، با نگرش به ماده ۸۸۰ ل.ت. که پیرامون سند تجاری الکترونیکی است، می‌توان گفت، هر چیزی که درون‌مایه نوشته را داشته باشد خواه بر روی برگه کاغذ نمایش داده شود یا صفحه نمایشگر رایانه، دربر مفهوم سند خواهد رفت^{۱۵}. با این حال، نباید این نکته را از یاد برد که چنین سندی نیاز به مقررات ویژه‌ای دارد. این در حالی است که نویسندگان این لایحه، خلاف پیش‌نویس، به گونه کوتاه‌بدان پرداخته‌اند و چه‌بسا، پیدایش سند تجاری در چهارچوب «داده‌پیام» را امری روشن دیده و آنچه را که درباره امنیت و اعتبار آن می‌ماند، به قانون تجارت الکترونیکی واگذارده‌اند.

۱-۲- سرشت حقوقی برات

پیرامون اسناد تجاری یا قابل انتقال دو گونه سرشت‌شناسی حقوقی می‌توان به دست داد؛ نخست، بررسی سرشت حقوقی خود سند و دوم، بررسی سرشت حقوقی اعمالی که بر آن

۱۳. اگرچه در کنوانسیون ژنو پیرامون برات و سفته تعریفی از برات دیده نمی‌شود ولی، بند یکم ماده ۳ ک.آ. درباره برات و سفته می‌آورد: «برات، سند نوشته‌ای است که دربردارنده دستور بی‌قید و شرطی بوده که بر پایه آن، کیشنده برات دستور پرداخت مبلغ معینی را به دارنده برات یا به دستور وی می‌دهد...». بند یک از بخش ۲ قانون بروات انگلستان مصوب ۱۸۸۲ در تعریف برات می‌آورد: «برات، دستور بی‌شرط نوشته‌ای است که از سوی یک شخص در برابر دیگری صادر شده و از سوی صادرکننده آن امضاء می‌شود که بر پایه آن، گیرنده دستور پایبند به پرداخت مبلغی به محض درخواست پرداخت یا در هنگام ویژه یا در آینده تعیین‌شدنی‌ای به شخص ویژه یا به حامل خواهد بود».

۱۴. ناصر کاتوزیان، اثبات و دلیل اثبات (الف) (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۵)، جلد یکم، چاپ چهارم، ۲۸۰-۲۷۶.

۱۵. عبدالحسین شیروی، حمید میری، «بررسی تطبیقی انتقال الکترونیکی اسناد تجاری (برات، سفته و چک)»،

مجله اندیشه‌های حقوقی ۱۳ (۱۳۸۷)، ۱۲.

انجام می‌گیرد همانند صدور، پشت‌نویسی، ضمانت و قبولی شخص ثالث. البته، چنانچه برای سند، به سرشت حقوقی جداگانه‌ای باور ننماییم بلکه، آن را به عمل حقوقی پدیدآورنده برگردانیم، در این صورت، دو حالت گفته‌شده یک‌معنا می‌گردند. به دیگر سخن، صدور سند عبارت است از قرارداد یا ایقاع بی‌آنکه ماهیت حقوقی جداگانه‌ای از آن پدیدار گردد.

پیرامون ماهیت حقوقی عمل صدور برات، در دکتترین حقوقی ناهم‌دیدگاهی دیده می‌شود، چه اینکه گاه ایقاع، گاه قرارداد و گاهی نیز آمیزه‌ای از قرارداد و ایقاع دانسته شده است. کسانی که درون‌مایهٔ تعهد براتی را قرارداد دانسته، کوشش نموده‌اند که آن را درون چهارچوب‌های سنتی حقوق مدنی همچون انتقال طلب، حواله، وکالت، تبدیل تعهد و یا نمایندگی ناقص قرار دهند.^{۱۶} اگرچه بر این شیوهٔ برداشت نکوهش‌ها رفته است^{۱۷} ولی، می‌توان گفت که بنام‌ترین دیدگاه حقوقی میان حقوقدانان در این زمینه، بررسی سرشت حقوقی برات بر پایهٔ انتقال طلب و یا حواله است همچنان که نویسنده‌ای^{۱۸} برات را سندی دانسته که بر پایهٔ آن، صادرکننده، طلب حال یا مدت‌دار خویش را به دیگری منتقل می‌نماید. برخی^{۱۹} نیز در راستای به دست دادن تعریفی از برات آن را با حواله برابری داده و به موادی از قانون مدنی پیرامون این عمل حقوقی در این باره دست یازیده‌اند. شماری دیگر^{۲۰} آشکارا در تعریف خود گفته‌اند که «برات، حواله‌ای است ...» و به گونهٔ همسان، اگرچه^{۲۱} برات گونه‌ای از قرارداد حواله دانسته شده ولی، افزوده گردیده است، از آنجا که اعمال برواتی

۱۶. در حقوق انگلستان، اسناد تجاری گاه مالی در ردیف دیگر اموال منقول (Chattel) به شمار آمده است و یا از آنجا که ارزش سند از تعهدهای سند برمی‌خیزد نه خود سند، گونه ویژه‌ای از مال منقول خوانده شده و گاه تنها به عنوان طلب و حق دینی (Chose in Action) مورد شناسایی قرار گرفته است:

Ewan MacIntyre, *Business Law* (London: Pearson Longman, 2010), 517-518.

با این حال، از آنجا که بر پایهٔ قواعد کامن‌لو، انتقال حق دینی تنها بر پایهٔ تبدیل تعهد و یا حواله با این شرط که حق برپا داشتن دعوا به طریقت بدکار تنها برای انتقال‌دهنده باشد، ممکن است و در راستای گشایش تنگنا، قانون دخالت کرده و امکان انتقال را بیرون از چهارچوب‌های یادشده برقرار نموده است، سند تجاری، حق دینی ویژه‌ای شمرده می‌گردد:

Gordon Borrie, *Commercial Law* (England: Butterworth, 1998), 220-221.

۱۷. برای آگاهی بیشتر ببینید؛ صقری، پیشین، ۷۰-۵۹؛ ربیعا اسکینی، *حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار،*

اسناد در وجه حامل و چک) (تهران: سمت، ۱۳۸۴)، چاپ نهم، ۲۷-۲۱.

۱۸. کاویانی، پیشین، ۳۴.

۱۹. کاتبی، پیشین، ۱۸۵.

۲۰. افتخاری، پیشین، ۳۴.

۲۱. عبادی، پیشین، ۲۲۰.

همچون صدور و پشت‌نویسی برات، عمل تجاری به شمار می‌آید، برات از شمول قواعد حقوق مدنی بیرون رفته و دربر مقررات ویژه‌ای قرار می‌گیرد.^{۲۲} برخی^{۲۳} نیز در آغاز، با دست جستن به نخستین ماده از «قانون قبول و نکول بروات تجاری» مصوب ۹ جمادی‌الاول ۱۳۲۸ که در آن برات با این برداشت که: «چون باب برات باب حواله است...»، حواله شمرده شده است، گفته‌اند که: «قانون‌گذار و رویه قضایی [و البته، باید گفت که برخی از حقوقدانان] به سوی حواله دانستن برات روی آورده‌اند». با این حال، جدای از اینکه در قوانین بعدی پیرامون برات، دیگر این آشکاری سخن دیده نمی‌شود، برجسته‌ترین تفاوت میان حواله و برات این است که حواله، قراردادی سه‌سویه بوده و از این رو، اگر حواله‌شونده، حواله را نپذیرد، قراردادی پدید نمی‌آید در حالی که در برات، نکول برات‌گیر، مایه بی‌اعتباری برات نخواهد بود.^{۲۴} با این حال، همین نویسندگان، با آنکه رویکرد آغازین قانون‌گذار را گویای حواله بودن برات دانسته‌اند - با چشم‌پوشی از پذیرش اصل این گفته - ولی، با دست جستن به شماری از آرای قضایی، گرایش دادرسان را به پذیرش چهارچوب حقوقی تعهد یک‌سویه برای برات نشان داده‌اند.^{۲۵} به طور همسان، پاراگراف یکم از بخش ۵۳ قانون بروات انگلستان مصوب ۱۸۸۲ آشکارا برات را استوار بر انتقال طلب ندانسته بلکه تنها، پذیرش برات را آفریننده تعهد برای برات‌گیر می‌داند. اگرچه بررسی سرشت برات خود نیاز به نوشتاری جداگانه دارد ولی، به نظر می‌رسد، در راستای بررسی درست آن می‌بایست رابطه‌های حقوقی موجود در آن مورد کنکاش قرار گیرد، به این معنا که به عنوان قاعده^{۲۶}، امضای برات از سوی صادرکننده و دادن آن به دارنده به

۲۲. گاه (عرفانی، پیشین، ۲۲-۲۱) در تعریف برات از واژه حواله بهره جسته‌اند، اگرچه احتمال است که منظور معنای لغوی این واژه باشد.

۲۳. صقری، پیشین، ۶۹

۲۴. برای دیدن دیدگاه‌های همسان با این ببینید: ناصر کاتوزیان، عقود معین (ب) (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵)، جلد چهارم، چاپ پنجم، ۳۹۶-۳۹۵؛ بهرامی، پیشین، ۱۴۸.

۲۵. در برخی از نوشته‌های نویسندگان انگلیسی درون‌مایه برات اینگونه بیان شده است؛ کیشنده برات با چنین کاری تعهد به پرداخت مبلغ برات به دارنده می‌نماید، اگر برات از سوی برات‌گیر پذیرفته یا پرداخت نشود. برات‌گیر با پذیرش برات، تعهد مطلق برای پرداخت مبلغ برات به دارنده می‌نماید. پشت‌نویس برات نیز تعهد می‌نماید که در صورت پرداخت نشدن مبلغ برات از سوی برات‌گیر یا برات‌کش، بی‌درنگ مبلغ را بپردازد:

Megrah, Maurice, F.R.Ryder, *Byles on Bills of Exchange: The Law of Bills of Exchange, Promissory Notes, Bank Notes and Cheques* (London: Sweet & Maxwell, 1972), 23rd Ed, 5.

۲۶. به کار بستن واژگان «به عنوان قاعده» از این دید بود که گاه شدنی است برات‌دهنده و دارنده یکی باشند (ماده ۲۲۴ ق.ت. و ۷۰۲ ل.ت.) که در این سان، گفتگو از بودن توافقی میان دارنده و صادرکننده برات

معنای توافقی میان این دو برای صدور برات است. به دیگر سخن، همان‌گونه که در ادامه گفته می‌شود، امضای برات تنها دلیل نشان‌دهندهٔ قصد انشاء از سوی برات‌دهنده بوده در حالی که تنها گنجاندن نام دارنده و گرفتن آن از سوی وی برای تکمیل این پیمان کافی است. بر پایهٔ این پیمان، تعهدی بر دوش کسی به نام برات‌گیر پدید می‌آید و صادرکنندهٔ برات، پذیرش آن را از سوی برات‌گیر یا پرداخت مبلغ برات را در صورت نپذیرفتن یا پرداخت نکردن وی تضمین می‌نماید.^{۲۷} پذیرش برات از سوی برات‌گیر به مانند پذیرش تعهد به زیان وی (ثالث) است که بدین‌سان وی می‌پذیرد، مبلغ گنجانده‌شده در برات را در سررسید به متعهدله یعنی، دارنده بپردازد. تأمین پیشین محل برات نزد برات‌گیر تنها گویای رضایت پیشین وی به آفرینش تعهدی در برابر خویش است.^{۲۸} به هر روی، برای نشان دادن جدایی برات از دیگر نهادهای حقوقی همین بس که موضوع برات، پیامدها و احکام ویژهٔ آن با هیچ‌یک از نهادهای پیشنهادشده هم‌خوان نبوده و اگرچه به رویهٔ قضایی به دلیل در دسترس نبودن آن^{۲۹} نمی‌توان بنیانی را نسبت داد ولی، به نظر می‌رسد، دیدگاه حقوقی کنونی^{۳۰} بر تفسیری که ارائه شد، استوار شده است.

۲- صدور برات

۲-۱- شرایط شکلی برات

پیرو تصریح ماده ۷۰۳ ل.ت. و خلاف ماده ۲۲۳ قانون تجارت که برای صدور برات، «امضاء و یا مهر» را بس می‌داند، برات به حتم باید دربرگیرندهٔ امضای صادرکنندهٔ آن باشد. برخی از

بی‌معناست و چه‌بسا چنین جاهایی، نمونه‌های روشنی برای کسانی باشد که باور به درستی تعهد یک‌سویه در حقوق ما دارند.

۲۷. ماده ۶-۵۱۱ قانون بازرگانی فرانسه همچون ماده ۹ ک.ژ. آشکارا می‌آورد: «صادرکنندهٔ برات تضمین‌کنندهٔ پذیرش و پرداخت خواهد بود».

۲۸. نویسندگانی (کاویانی، پیشین، ۳۶) نیز با تفسیر ماهیت برات بر پایهٔ انتقال طلب به نتیجهٔ همسانی رسیده‌اند.

۲۹. از این دردناک‌تر اینکه در عمل، براتی از سوی مردم صادر نمی‌شود تا اختلافی برخاسته از آن به دادگاه رسد.

۳۰. شماری از حقوقدانان هرچند به گونهٔ آشکار چنین نگفته‌اند ولی، به نظر می‌رسد، با نگرش به نپذیرفتن چهارچوب‌های سنتی پیشنهادشده برای توجیه درون‌مایهٔ برات، به سوی به شمار آوردن برات به نام عمل حقوقی ویژه، گرایش نشان داده‌اند (عرفانی، پیشین، ۳۴؛ اسکینی، پیشین، ۲۷؛ بهرامی، پیشین، ۳۲)؛ برخی دیگر نیز آشکارا برات را عمل حقوقی ویژه نام نهاده‌اند.

حقوقدانان^{۳۱} دلیل موضوعیت داشتن امضاء برای صدور چک خلاف صدور برات و سفته را - که صدور آنها با بهره‌گیری از مهر نیز ممکن دانسته شده است - امکان پیگرد کیفری صادرکننده چک دانسته‌اند در حالی که در همین قانون، درباره انجام پشت‌نویسی نیز تنها به امضاء نگریسته شده است در حالی که پشت‌نویس مسؤولیت کیفری نخواهد داشت^{۳۲}. به هر روی، به نظر می‌رسد، نگرش به پیشینه تاریخی‌ای که برای توجیه ماده ۲۲۳ ق.ت. گفته شده است، علت حکم ماده ۷۰۳ ل.ت. را روشن نماید^{۳۳}.

اکنون با این وصف باید دید، وضعیت براتی که با مهر امضاء صادر شده چگونه است. در این باره، در قلمرو قانون تجارت که امضاء یا مهر کافی دانسته شده است، پاسخ به این پرسش آسان بوده، خواه بگوییم که مهر امضاء به راستی اعتبار امضاء را دارد و خواه گفته شود^{۳۴} از آنجا که امضاء به کاری قلمداد می‌گردد که با حرکت دست انجام گردد، چنین نشانه‌ای، مهر به شمار می‌آید. در این زمینه، از نگاه اسناد بین‌المللی، بند «کاف» ماده ۵ ک.آ. امضاء را به اثر دست‌نویس یا رونوشت تأییدشده آن یا هر همانند دیگری که با هر ابزاری پدید آمده، تعریف نموده است. در برابر، کنوانسیون ژنو تعریفی از امضاء به دست نداده است ولی، گزارش کارگروه نگارش این کنوانسیون دربردارنده معنای گسترده‌ای برای امضاء بوده که اثر دست‌خط و یا هر ابزار دیگری را دربر خواهد گرفت^{۳۵}. در انگلستان نیز اگرچه قانون بروات این کشور چیزی در این باره نیاورده است ولی، چه بسا، بخش دوم از قانون تفسیر این کشور مصوب ۱۸۸۹ چنین پدیده‌ای را بپذیرد. البته، در پرونده «گودمن به طرفیت جی. ایبن لمیتد»^{۳۶} به سال ۱۹۵۴، اکثریت دادرسان با دست جستن به تعریفی که «فرهنگ واژه قضایی استرود»^(۳۷) از امضاء ارائه داده، نیازی ندیدند که امضاء به حتم با دست انجام گیرد

۳۱. حسن ستوده تهرانی، حقوق تجارت: اسناد تجاری (تهران: دادگستر، ۱۳۸۶)، جلد سوم، چاپ یازدهم، ۱۲۶؛ امیرحسین فخاری، حقوق تجارت (الف)، اندیشه‌های حقوقی ۳ (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۹)، چاپ دوم، ۲۱ و ۵۵.

۳۲. رضا سکوتی، «جایگاه امضاء در اسناد تجاری و آثار آن با نگرشی در لایحه قانون جدید تجارت»، در مجموعه مقالات همایش ملی نقد و بررسی لایحه جدید قانون تجارت (مراغه: دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه، ۱۳۹۱)، ۱۳۸.

۳۳. امیرحسین فخاری، جزوه حقوق تجارت سه (ب)، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، بی تا، ۱۷.

۳۴. همان.

۳۵. صقری، پیشین، ۹۸.

36. Goodman v. J. Eban Ltd [1954] 1 Q.B. 550.

37. Stroud's Judicial Dictionary.

بلکه، تنها وجود چیزی که امضاء خوانده شود، کافی دانسته شده است خواه با دست انجام پذیرد یا با مهر^{۳۸}. با این حال، دادرس بنام انگلیسی، «دنینگ»^(۳۹) خلاف دیدگاه دیگر دادرسان، درباره امکان و اعتبار با مهر امضاء شدن اسنادی که وجود امضاء در آنها بایسته است، از خویش تردید نشان داده و گفته است؛ «در عرف انگلیسی امروزی، هنگامی که سندی باید امضای کسی را داشته باشد، انجام امضاء از راه دست بایسته خواهد بود. آیا به راستی می‌توان اینگونه پنداشت که کسی با بهره‌گیری از مهر بتواند بر روی برات امضاء زند؟»^{۴۰}. به هر روی، با از میان برداشته شدن واژه «مهر» در ماده یاد شده از لایحه، چنانچه تعریف گفته‌شده برای مهر پذیرفته شود، چنین براتی بر پایه ماده ۷۰۶ ل.ت. دربر مقررات برات نخواهد بود. با وجود این، این گفته با فناوری‌های نوین هم‌خوان نبوده زیرا، پدید آمدن پدیده‌های نوینی همچون امضای الکترونیکی و به ویژه، امضای دیجیتالی نشان می‌دهد که باید بسیاری از موارد را بر پایه دگرگونی‌های نوین تفسیر کرد و گرنه، راه برای پذیرش بسیاری از آنها بسته می‌شود، همچنان که پیشتر همانند همین برداشت درباره گواهی الکترونیکی ارائه شد^{۴۱}. همچنین، گفته شده است^{۴۲} که هنگامی بهره‌گیری از نشانه‌ای، امضاء شمرده می‌گردد که شیوه امضای معمول چنین کسی باشد. با وجود این، می‌توان گفت^{۴۳} آنچه در این راستا برجستگی دارد، وجود نیت امضای سند است، آسوده از این بحث که شکل آن چگونه انجام می‌شود. به دیگر سخن، نشانه تنها گویای قصد است و موضوعیت ندارد. با این حال، نمی‌توان این ایراد را گذشت که نویسندگان لایحه، تعریفی از امضاء به عنوان رکن بنیادین اسناد تجاری یا قابل انتقال به دست نداده‌اند.

همچنین، با نگرش به ماده ۷۰۲ ل.ت. این امر آشکار می‌گردد که آوردن عبارت «به دیگری» این مفهوم را به اندیشه می‌رساند که برات‌دهنده خود نمی‌تواند برات‌گیر باشد، امری که در قانون تجارت وضعیت آن روشن نیست و پیرامون آن، در دکترین حقوقی، برخی^{۴۴} را

38. Diane Rowland, Elizabeth MacDonad, *Information Technology Law* (England: Cavendish Publishing Limited, 2000), Second Ed, 321-322.

39. Lord Denning.

40. Martin Howe, "Electronic Evidence: Can the Lawyers Keep Up?" (Paper Presented on Admissibility and the E-Signatures Directive, Chancery Bar Association Seminar, 2005. 10, 11), 8.

۴۱. سام محمدی، حمید میری، «بررسی تطبیقی ارائه ادله الکترونیک در دادگاه؛ اشکال و اعتبار آن»، نامه مفید

۷۶ (۱۳۸۸)، ۱۷۵.

42. Denis Keenan, J. Smith & Keenan's, *Advanced Business Law* (London: Longman, 2000), 452.

43. Clive Hamblin, *Introduction to Commercial Law* (England: Sweet & Maxwell, 1982), 228.

۴۴. اسکینی، پیشین، ۳۳.

دیدگاه بر این است که در چنین حالتی، برات به سفته دگرگون شده و تنها وجه بازشناسی میان این دو شکل آنهاست که یکی عنوان برات را بر خود می‌بیند و دیگری سفته. همچنین، با دست جستن به ماده ۲۲۴ ق.ت. که در آن تنها به امکان یکی بودن صادرکننده و دارنده برات تصریح شده ولی، پیرامون یکی بودن برات‌دهنده و گیرنده به سکوت برگزار شده، چنین تفسیر گردیده که قانون‌گذار در جایگاه بیان ناممکن بودن همسانی برات‌دهنده و گیرنده بوده است. به هر روی، نویسندگان لایحه در این باره آشکارا چیزی نگفته ولی، مفاد ماده ۲۲۴ ق.ت. را در تعریف برات آورده‌اند که این امر در کنار بهره‌گیری از واژگان «به دیگری» که در تعریف برات آمده است، می‌تواند نشانه برجسته‌ای برای تفسیر سکوت ایشان به سود ناممکن بودن یکسانی برات‌گیر و برات‌دهنده باشد. پس، گنجاندن نام برات‌کش به عنوان برات‌گیر، به مانند ذکر نکردن نام برات‌گیر در سند است و در نتیجه، برات یکی از شرایط بایسته خویش را هنگام صدور به هر ماه نخواهد داشت. با وجود این، از آنجا که دارنده از چنین چیزی همواره آگاه خواهد بود و طرفین می‌دانند که متعهد اصلی برات در هر حال یک نفر است، سفته دانستن آن برتر جلوه می‌نماید.^{۴۵}

پیرامون موجود بودن برات‌گیر در هنگام صدور برات، مواد ۷۰۲ و ۷۰۳ ل.ت. با آنکه پاراگراف «الف» بند یکم ماده ۵۲ ک.آ. به گونه ضمنی، به امکان فرضی بودن برات‌گیر تصریح دارد، وضع روشنی به دست نمی‌دهند.^{۴۶} در قانون تجارت نیز چیزی در این باره گفته نشده و در میان دکترین حقوقی، گاه گفته شده است^{۴۷} اگرچه براتی را که برات‌گیر آن وجود راستینی نداشته باشد، نمی‌توان باطل دانست ولی، چنین براتی در عمل به سفته دگرگون می‌شود. همچنین، می‌توان گفت که در راستای بررسی ارزش حقوقی این عمل باید میان دو فرض جدایی افکند؛ اگر دارنده از این امر آگاهی داشته باشد، باید پذیرفت که قصد راستین آنها صدور سفته بوده است نه برات ولی، اگر دارنده از این امر ناآگاه باشد، روشن است که نمی‌توان آن را سفته دانست در حالی که قصد راستین طرفین پیدایش عمل حقوقی دیگری

۴۵. نکوهش احتمالی بر این برداشت این است، هنگامی که بر روی سند نام برات گذارده شده است، چگونه می‌توان آن را سفته شمرد در حالی که پیرو بند ۱ ماده ۷۸۳ ل.ت. گنجاندن واژه سفته بر روی برات بایسته است؟ در پاسخ می‌توان گفت که اگر به سفته بودن چنین عمل حقوقی‌ای باور داشته باشیم، نبود نام سفته را می‌توان به مانند نقص در صدور سند دانست و از این رو، بر پایه ماده ۷۸۵ شایستگی گنجاندن نام سفته را بر روی آن داد.

۴۶. بند سه بخش ۷ قانون بروات انگلستان، در جایی که نام دارنده فرضی یا ناموجود بوده، برات را در وجه حامل شمرده است.

۴۷. اسکینی، پیشین، ۲۷-۲۱؛ کاویانی، پیشین، ۵۸.

به نام برات بوده است و حتی، اگر به راستی چنین کسی وجود خارجی نیز داشته باشد، از آنجا که صادرکننده بر آن نبوده است که دیگری را متعهد اصلی گرداند، عمل انجام‌شده صدور برات شمرده نخواهد شد^{۴۸}. به هر روی، در صورت برات دانسته شدن چنین سندی، دارنده باید برای گرفتن پذیرش یا پرداخت به برات‌گیری که وجود خارجی ندارد، مراجعه کند. اکنون، پس از مراجعه و هویدا شدن حقیقت، یا باید گفت که این حالت همچون حالت نکول برات است یا اینکه اصلاً پذیرش یا نکول تحقق یافته نیست. اگر بخواهیم به درستی برات باور داشته باشیم و از سوی دیگر، از پیامدهای ناگوار آن جلوگیری کنیم، باید بپذیریم که با روشن شدن خیالی بودن برات‌گیر، گو این بوده که برات نکول شده است یا اینکه واخواست را استثناء نمود همچنان که پاراگراف سوم بند دوم بخش ۵۰ قانون بروات انگلستان در جایی که برات‌گیر و برات‌کش یکی بوده یا برات‌گیر شخصی فرضی است، واخواست را بایسته ندانسته و بند یکم ماده ۵۲ ک.آ. نیز ارائهٔ برات برای پذیرش را در چنین حالتی نیاز ندانسته است. به هر روی، روشن نشدن تکلیف این امر در لایحه از نکته‌های منفی دیگر آن به شمار می‌آید.

۲-۲- ضمانت اجرای پیروی نمودن از شرایط شکلی برات

روی هم رفته می‌توان گفت که چنانچه شرایط گنجانده‌شده در ماده ۷۰۳ ل.ت. رعایت نگردند، سند، برات به شمار نخواهد آمد، هرچند ممکن است از دید قواعد حقوق مدنی دارای اعتبار باشد (ماده ۷۰۶ ل.ت). در این زمینه، پرسش این است که ضمانت اجرای امضاء نداشتن برات - سفته یا چک - چیست؟ در برابر این پرسش، سه پاسخ می‌توان پیش کشید؛ یکم اینکه گفته شود، برات بی‌امضاء، سند شمرده نمی‌شود. دوم اینکه گفته شود، چنین براتی تنها در برابر کسی که می‌بایست برات‌کش خوانده شود، قابل استناد نیست ولی، مسؤولیت دیگر متعهدان برات برجای خود خواهد ماند و ایشان نمی‌توانند در برابر دارنده با حسن نیت بدان دست یازند. سوم اینکه گفته شود، چنین براتی، ناقص شمرده می‌شود و دارنده بر پایهٔ ماده ۷۰۷ این لایحه می‌تواند به جانشینی از صادرکننده آن را امضاء زند. در جایگاه گزینش یکی از این پاسخ‌ها، به نظر می‌رسد که کلید پاسخ‌گویی در شناسایی سرشت حقوقی سند برات نهفته است؛ همچنان که پیشتر گفته شد، جدای از بایستگی وجود نوشته (کاغذی یا الکترونیکی)، امضاء - و یا مهر - رکن بایستهٔ سند به شمار می‌آید. به دیگر سخن، هنگامی می‌توان به نوشته‌ای نام سند را داد که دارای امضاء یا مهر باشد. از این رو، نوشته‌ای که قرار

است به شکل برات درآید، اگر دارای امضاء نباشد، اصلاً ماهیتی به نام سند برات را پدید نخواهد آورد. با این برداشت، از احتمال‌های داده‌شده، احتمال دوم و سوم درست نخواهند بود. البته، درباره احتمال سوم، برخی^{۴۹} گفته‌اند، از آنجا که امضاء قائم به شخص است، تکمیل‌کننده، اصلاً اختیاری برای زدن امضاء ندارد و از این رو، ماده ۷۰۷ منصرف از این فرض خواهد بود. این دیدگاه درست نیست زیرا، ماده یادشده، گویای فرض وجود اختیار برای دارنده برای تکمیل برات ناقص بوده و شیوه بیان این ماده آنچنان مطلق و فراگیر است که هیچ‌یک از متعهدان برات را توانایی اثبات نبود اختیار یا برون‌رفت از آن نیست. با این حال، جدای از آنچه که درباره سرشت حقوقی سند برات گفته شد، باید پذیرفت که در این فرض اصلاً حالتی برای تصور وجود حسن نیت نیست زیرا، دارنده چنین سندی به عنوان انسان متعارف می‌داند که نوشته بی‌امضاء اعتباری ندارد و از این رو، فرض دارنده ناآگاه اندیشیدنی نخواهد بود. جدای از اینها، در این ماده، از واژگان «برات به هنگام صدور» بهره گرفته شده است، در حالی که برات بی‌امضاء، اصلاً سند نیست تا برات خوانده شود. بند یکم ماده ۱۲ ک.آ. نیز امضاء یا قبول سند را برای تکمیل برات بایسته می‌داند^{۵۰}. پس، همان‌گونه که گفته شده است^{۵۱}، سندی که امضای صادرکننده را دربر ندارد، نشان از نبود قصد انشاء یعنی، قصد پدید آوردن ماهیتی به نام برات دارد و از این روی است که چه قانون‌گذار در قانون تجارت و چه نویسندگان در پیش‌نویس و لایحه تجارت در بخش ضمانت اجرا نامی از سند بی‌امضاء نبرده‌اند.

پیرامون تعیین سررسید پرداخت، بند یکم ماده ۷۰۶ ل.ت. راهکار نوینی خلاف ماده ۲۲۶ ق.ت. به دست داده است و به نظر می‌رسد، نویسندگان لایحه از کنوانسیون یکنواخت ژنو در این باره بهره برده‌اند که سررسید براتی را که در آن زمان پرداخت مشخص نشده، دیداری دانسته است. دیداری دانستن سررسید، اماره‌ای بر تاریخ پرداخت نبوده بلکه، چون شرایط بایسته برات می‌بایست در خود برات گنجانده شوند، فرض بیان‌شده در این ماده مطلق بوده و خلاف آن اثبات‌شدنی نیست. بدین‌سان، با به رؤیت قلمداد شدن سررسید چنین براتی، نویسندگان لایحه به ناهم‌دیدگاهی‌هایی که درباره مفهوم ماده ۲۲۲ قانون تجارت وجود دارد

۴۹. سکوتی، پیشین، ۱۳۵.

۵۰. بند یکم از بخش ۲۰ قانون بروات انگلستان نیز این امر را آشکارا می‌گوید.

۵۱. فخاری، پیشین (ب)، ۱۴؛ عرفانی، پیشین، ۳۱؛ کابانی، پیشین، ۷۳؛ ناصر رسایی‌نیا، کلیات حقوق بازرگانی (تجارت) (تهران: ویستار، ۱۳۷۴)، چاپ دوم، ۱۷۹؛ حسنی، پیشین، ۴۸۰؛ افتخاری، پیشین، ۶۶-۶۵ (البته، این نویسنده در آغاز احتمال کاربست ضمانت اجرای آمده در ماده ۲۲۶ را داده است).

– به این معنا که آیا منظور از براتی که بی‌وعده قبول شده، براتی است که در هنگام صدور وعده نداشته و یا با وعده بوده ولی، بی‌وعده مورد قبول قرار گرفته است – پایان داده‌اند. از این رو، با نگرش به بند یکم این ماده، دیگر برات بدون وعده در مقررات تجاری هستشی نخواهد داشت.

البته، باید افزود که در سفته نیز چنانچه تاریخ پرداخت روشن نگردیده باشد، سفته عندالمطالبه به شمار می‌آید (بند یکم ماده ۷۸۴ ل.ت). ولی، پیرامون چک چنین مقرره‌ای دیده نمی‌شود که در این مورد، نگرش به پیش‌نویس لایحه که در آن، راهکار قانون تجارت در این زمینه به کار بسته و چنین چکی بی‌تاریخ در نظر گرفته شده بود و دگرگونی این امر در لایحه پایانی و بازگشت به وضع مقرر در قانون صدور چک و پذیرش چک تاریخ‌دار، با وجود تصریح خود لایحه به بی‌قید و شرط بودن چک (مواد ۷۹۰ و ۷۹۱) نشان می‌دهد که نپرداختن نویسندگان لایحه به ذکر مقرره‌ای پیرامون چک بی‌تاریخ در متن لایحه، برخاسته از این دگرگونی و تسامح ایشان باشد. با وجود این، به نظر می‌رسد، آنچه درباره برات و سفته از سوی لایحه در این باره بیان شده است، نشان‌گر رویکرد کلی آن باشد هرچند تصریح بدان از پیدایش گمان‌ها و برداشت‌های گوناگون جلوگیری خواهد نمود.

۲-۳- تکمیل برات ناقص^{۵۲}

آنگونه که بیان گردید، اگر براتی شرایط شکلی بایسته را نداشته باشد، از بر سند براتی بیرون خواهد بود. با این حال، ماده ۷۰۷ ل.ت.^{۵۳} و پیش‌نویس آن، فرضی را در نظر گرفته‌اند که بر پایه آن، تکمیل برات ناقص از سوی دارنده، شدنی بوده بی‌آنکه از اعتبار چنین سندی کاسته شود. همچنین باید افزود که ماده ۷۰۳ ل.ت. نیز تصریح به امری دارد که در قانون تجارت

۵۲. برخی (کاویانی، پیشین، ۸۴) عنوان «وکالت ظاهری» را برای این بخش بیان داشته‌اند در حالی که از دید مفهومی میان وکالت ظاهری با تکمیل برات ناقص جدایی هست، به دیگر سخن، دیدگاه وکالت ظاهری در جایی که به راستی اختیاری برای نماینده نبوده یا کار انجام‌شده در قلمرو شایستگی وی قرار ندارد در راستای پاسداری از حقوق اشخاص ثالث به کار بسته می‌شود (بابک مسعودی تفرشی، «وکالت ظاهری در حقوق اروپا و تجارت بین‌الملل»، *مجله کانون وکلای* ۲۰۰ و ۲۰۱ (۱۳۷۸)، ۱۳۵-۱۳۴) در حالی که در تکمیل برات ناقص، ظهور در وجود چنین شایستگی‌ای برای تکمیل‌کننده هست اگرچه در جایی که نشان داده می‌شود که به راستی تکمیل‌کننده شایستگی‌ای برای پُر کردن برات نداشته یا از قلمرو آن پای را فراتر گذاشته است، کامل کردن سند در برابر دارنده با حسن نیت همچنان معتبر شمرده می‌گردد. پس، ما اگر بخواهیم عنوانی را برای این امر گزینش نماییم، واژگان «نمایندگی در ظاهر» را به جای «وکالت ظاهری» برمی‌گزینیم.

۵۳. و نیز مواد ۷۸۵ و ۷۹۰ درباره سفته و چک.

مسکوت مانده، اگرچه رویه قضایی آن را پذیرفته است^{۵۴}. البته، نویسندگانی^{۵۵} گفته است، از آنجا که قانون‌گذار در ماده ۲۲۷ ق.ت. به امکان صدور برات به وکالت از دیگری تصریح داشته است، دلیلی وجود ندارد که چنین نمایندگی‌ای درباره انجام اجزای عمل - یعنی، زدودن نقص - پذیرفته نشود. به دیگر سخن، این برداشت چنین معنا می‌دهد که شدنی است، کسی برات را به گونه ناقص صادر کرده و دیگری آن را کامل نماید. این در حالی است که همه پرسش این است که آیا برات هنگام صدور باید دارای همه شرایط بایسته باشد یا خیر و به نظر می‌رسد، هنگامی که قانون‌گذار در ماده ۲۲۳ ق.ت. می‌گوید: «برات علاوه بر امضاء یا مهر برات‌دهنده باید دارای شرایط ذیل باشد»، منظور این است که هنگام صدور یعنی، هنگام پیدایش باید دارای این شرایط باشد خواه مستراً صادر گردد یا کسی به نمایندگی چنین کند. به هر روی، پیرو ماده ۷۰۷ ل.ت. به همه مسؤولان برات - برات‌دهنده، پشت‌نویس و برات‌گیر - این حق داده شده است که در راستای بی‌اعتبار دانستن سند در برابر دارنده آگاه به ناقص بودن سند صادرشده، به نبود اختیار قانونی تکمیل‌کننده سند استناد نمایند، اگرچه آن شخص پشت‌نویس باشد که خود، ناآگاه بوده و یا برات‌گیر سند باشد. البته، همان‌گونه که در ادامه توضیح داده می‌شود، منظور از دارنده در صدر این ماده، دارنده نخستین یعنی، دارنده پیش از پشت‌نویسی و انتقال سند است.

پرسش این است که با تکمیل برات، سند از هنگام صدور معتبر شمرده می‌گردد یا از هنگام تکمیل؟ در پاسخ می‌توان گفت که از هنگام پُر کردن سند ناقص زیرا، نویسندگان لایحه با به کار بستن واژگان «به هنگام صدور»، فرض وجود اختیار تکمیل برات را برای دارنده به دست‌داده‌اند و از این رو، پس از تکمیل چنین سندی، گو این است که برات از هنگام صدور معتبر شمرده می‌گردد همچنان که در حقوق انگلستان گفته شده است که با تکمیل سند گو این است که هرگز چنین سندی ناقص نبوده است^{۵۶}. با این حال، به نظر می‌رسد، منظور این ماده این نیست که ماهیتی به نام برات پدید آمده و اینک دارنده آن را

۵۴. در دادنامه صادرشده به شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۶۹۵۰۰۱۵۵ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۳۰ چنین می‌خوانیم: «... اساساً اثبات سفیدامضاء بودن نیز هیچ‌گونه ملازمه‌ای با بی‌اعتباری سند ندارد و ممکن است چنین تعبیر شود که صادرکننده به دارنده نمایندگی داده است که آن را به دلخواه خود تنظیم نماید ...»، اداره انتشار رویه قضایی، آرای دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (حقوقی) (تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۹۳)، چاپ یکم، ۷۰۰.

۵۵. کاویانی، پیشین، ۵۸.

کامل می‌کند زیرا، سندی که شرایط شکلی بایسته را هنگام صدور دربر ندارد، اصلاً نمی‌تواند به نام برات خوانده شود بلکه، سند در مفهوم فراگیر آن به شمار می‌آید. به دیگر سخن، نویسندگان لایحه تنها به فرض وجود قصد انشاء از سوی صادرکنندهٔ برات و پذیرش آن از سوی دارنده اشاره دارند و اکنون که این سند برای داشتن اعتبار برات نقص دارد، ایشان فرض بودن اختیار را برای دارنده مطرح می‌نمایند - فرضی که به راستی هست - تا آن را کامل نماید. از این رو، باید پذیرفت که از هنگام تکمیل، سند به عنوان برات شناخته خواهد شد همچنان که واژگان «اعتبار برات را دارد» تأییدکنندهٔ این برداشت خواهد بود. پرسش دیگر این است که منظور از دارندهٔ ناآگاه در این ماده چه کسی است؟ آیا منظور دارنده‌ای است که از تکمیل برات از سوی دارنده آگاهی نداشته یا دارنده‌ای است که از بیرون رفتن تکمیل‌کننده از قلمرو اختیارش یا نداشتن اختیار وی - برای نمونه، بر پایهٔ توافق میان صادرکننده و دارنده - آگاهی نداشته است؟ اگر گفته شود که منظور ناآگاهی از نبود اختیار یا برون‌رفت از قلمرو آن است به اینگونه که مسؤول برات بتواند نشان دهد که تکمیل‌کنندهٔ برات ناقص به عنوان نمایندهٔ صادرکنندهٔ برات، اختیار تکمیل برات را نداشته و دارندهٔ کنونی از این امر آگاه بوده است که در نتیجه می‌تواند در برابر وی ایراد پیش کشد، باید اینگونه پاسخ گفت که این برداشت با فرض برقرارشده از سوی این ماده در زمینهٔ تکمیل برات ناقص سازگار نخواهد بود زیرا، فرض برات ناقص پیرامون سندی است که قصد طرفین دربارهٔ آن، پیدایش ماهیتی به نام برات بوده هرچند دربردارندهٔ همه شرایط لازم برای صدور نیست و نویسندگان لایحه، به دنبال بیان فرض وجود اختیار تکمیل برات ناقص در راستای جلوگیری از بی‌اعتباری برات بوده‌اند، انگاره‌ای که پیوندی با بودن یا نبودن توانایی تکمیل برات ناقص یا برون‌رفت از قلمرو آن نخواهد داشت. برای بهتر روشن شدن این گفته، نگرشی به اسناد بین‌المللی دربارهٔ برات و سفته سودمند خواهد بود؛ اختیار پُر کردن برات ناقص که هم در ماده ۱۰ ک.ژ. و هم در ماده ۱۲ ک.آ. آمده، برخاسته از فرض اعطای اختیار تکمیل برات ناقص به دارنده بر پایهٔ توافق میان صادرکننده و دارنده است و از این رو، نشان دادن خلاف این فرض بر دوش مسؤولی است که خواهان برات خویش از مسؤولیت است. بخش نخست ماده ۱۰ ک.ژ. به همان فرض فراگیری که گفته شد، اشاره دارد و در بخش دیگر آن، حالتی به میان آورده شده که بر پایهٔ توافق میان دارنده و صادرکننده روشن می‌گردد که تکمیل‌کننده چنین شایستگی‌ای نداشته یا از قلمرو آن پای را فراتر گذاشته است که در چنین حالتی، ایراد چنین مسؤولی تنها در برابر دارنده‌ای شنیدنی است که وی برات را با سوءنیت به دست آورده و یا

در راستای به دست آوردن آن تقصیر سنگینی انجام داده است. پس، روشن است که اثبات برون‌رفت تکمیل‌کننده از قلمرو اختیاراتش یا نبود اختیاری برای وی در این زمینه، در برابر دارنده با حسن نیت هیچ‌گونه اثری نخواهد داشت. از بند یکم و دوم ماده ۱۲ ک.آ. نیز بر می‌آید که این مقررات تنها نشان دادن سوء نیت دارنده یعنی، آگاهی وی از نبود اختیار تکمیل سند را کافی ندانسته بلکه، میان حالات امضای سند، پیش و پس از تکمیل جدایی افکنده است. منظور از امضاءکننده سند پیش از تکمیل آن، امضاء به عنوان ضمانت و یا به عنوان قبول برات است ولی، امضاء به عنوان پشت‌نویسی دربر آن نمی‌رود زیرا، سندی که ناقص است، امکان پشت‌نویسی به عنوان یکی از پیامدهای بارشده بر سند تجاری را نخواهد داشت و از این رو، پشت‌نویسی سند ناقص، پیامدهای حقوقی پشت‌نویسی برات تکمیل‌شده را نداشته و حتی، اگر فرض شود که دارنده نخستین، پشت‌نویسی کرده و سند را به دارنده کنونی داده است، در چنین فرضی یا باید پذیرفت که دارنده کنونی حق پُر کردن سند ناقص را دارد یا اینکه، این حق از اطلاق قرارداد میان دارنده نخستین و وی فهمیده می‌گردد در حالی که در هر دو حالت گفته‌شده، سند اعتباری به نام برات ندارد - زیرا، ناقص است - و بنا بر این، امکان پشت‌نویسی به معنایی که پیامدهای ویژه آن را دربر داشته باشد، نخواهد داشت. با این توضیح‌ها، درباره امضای سند - از سوی برات‌گیر، پشت‌نویس و ضمانت‌کننده - پیش از تکمیل برات به عنوان امضاءهای انجام‌گرفته از سوی مسؤولان برات در برابر دارنده با حسن نیت و سوءنیت دو نکوهش پیش‌کشیدنی است؛ یکم اینکه، پیش از تکمیل سند ناقص، موجودی به نام برات یا سند که دارای پیامدهای حقوقی بوده و برای نمونه قابل پشت‌نویسی باشد یا منجر به پیدایش مسؤولیت براتی برای صادرکننده آن گردد - تا ضمانت از آن درست باشد - پدید نیامده است. به دیگر سخن، این کامل نمودن سند از سوی تکمیل‌کننده است که به سند اعتبار می‌دهد. ولی، باید پاسخ گفت، نمایندگی‌ای که به گونه فراگیر در این مقررات از آن سخن گفته می‌شود، نمایندگی برای صدور برات نیست بلکه، نمایندگی برای تکمیل آن است و پیشتر گفته شد که قصد پیدایش برات یا سفته از سوی صادرکننده انجام گرفته است ولی، قانون‌گذار فرض می‌گیرد که دارنده می‌تواند سند ناقص را کامل کند و به سخنی بهتر، وی از برای پُر کردن سند از سوی صادرکننده آن دارای شایستگی است. پس، کامل نمودن برات یا سفته ناقص، از هنگام صدور از سوی صادرکننده اثرگذار خواهد بود - نمایندگی برای پُر کردن سند ناقص، نمایندگی برای انجام کار مادی یعنی، تکمیل متن است - و این چنین است که کسی به نام ضامن می‌تواند از برات‌کش

ضمانت نماید یا برات‌گیر برات را بپذیرد و آنچنان که از این مقررات برمی‌آید، حتی کامل نمودن سند ناقصی که بیرون از قلمرو شایستگی تکمیل‌کننده انجام گرفته است، مایهٔ بی‌اعتباری امضاءهایی نخواهد بود که پیش از آن زده شده است. با این حال، همان‌گونه که پیشتر گفته شد، به نظر می‌رسد که امضاء به نام پشت‌نویسی دربر این امر قرار نگیرد زیرا، لازمهٔ پذیرش امکان پشت‌نویسی این است که برات ناقص از سوی دارندهٔ نخست کامل نشود، خواه این‌گونه بگوییم که نخستین دارنده، این شایستگی را به دارندهٔ بعدی داده است یا چنین اختیاری از اطلاق رابطهٔ میان این دو برداشت می‌گردد در حالی که اطلاق تنها منصرف به رابطهٔ میان صادرکنندهٔ برات و دارندهٔ نخستین بوده و چنین دارنده‌ای شایستگی‌ای برای دادن اختیار پُر کردن برات ناقص به دارندهٔ دیگری نداشته است. به دیگر سخن، دارنده باید پیش از انتقال اقدام به تکمیل آن بنماید. با این حال، در انگلستان، گفته شده است^{۵۷}، هر دارنده‌ای توانایی تکمیل برات ناقص را خواهد داشت. پرسش دیگر این است که چرا این مقررات در راستای امکان مطرح نمودن ایراد، جدای از بایستگی آگاهی دارنده از نبود شایستگی تکمیل‌کنندهٔ سند، به لزوم امضای برات از سوی مسؤول، پیش از تکمیل سند نیز اشاره داشته است. پس اگر امضاء پس از تکمیل سند انجام شده باشد، آیا بر پایهٔ بند «ب»، با وجود نشان دادن آگاهی دارنده از نبود اختیار تکمیل‌کننده، پاسخ‌گویی نسبت به سند پابرجا خواهد ماند؟ پیش از پاسخ‌گویی به این پرسش باید دانست که لزوم آگاهی دارنده از نبود اختیار تکمیل‌کنندهٔ سند ناقص در راستای پشتیبانی از دارندهٔ با حسن نیت بوده، امری که در توضیح‌های این مقررات، آشکارا بر آن پافشاری شده است و حتی، دلیل معتبر دانستن سندی که جعل گردیده یا بیرون از قلمرو شایستگی تنظیم شده، در راستای پاسداری از «دارندهٔ پاسداری شده»^{۵۸} خوانده شده است^{۵۹}. با این حال، مسؤولی که سند را پس از کامل شدن آن امضاء زده با آنکه نشان می‌دهد که دارنده از نبود اختیار تکمیل آن آگاهی داشته است، نمی‌تواند از زیر بار مسؤولیت برهد. در راستای توجیه این جدایی‌سازی می‌توان گفت که فرض موجود در این مقررات همسان است با فرض انجام تغییر در سند که تکلیف آن در ماده ۳۵ روشن است. ولی، باید گفت که چه از دید مفهوم و چه ماهیت، تکمیل سند از تغییر آن

57. Ibid.

58. Protected Holder.

59. "Explanatory Note by the UNCITRAL Secretariat on the United Nations Convention on International Bills of Exchange and International Promissory Notes", UNCITRAL, Last Visited 2017,44-45,

http://www.uncitral.org/pdf/english/texts/payments/billsnotes/Bills_of_Exchange_expl_Note.pdf.

جداست و از این رو، نمی‌توان گنجانیدن مبلغ یا تاریخ صدور در سند را هرچند بیرون از قلمرو شایستگی باشد، به مانند دگرگونی در محتوای برات دانست افزون بر اینکه منظور از دگرگونی، تغییر در سندی است که کامل شده. توجیه دیگر این است که کسی که پیش از کامل شدن سند آن را امضاء می‌نماید، پیرامون وی، فرض بر این است که از نقص سند آگاهی داشته و تنها به تکمیل سند پیرو اختیار تکمیل‌کننده رضایت داده است که البته، قانون این امر را تنها در برابر دارنده با سوءنیت معتبر می‌شناسد. این در حالی است که سند تکمیل‌شده، هرچند خلاف اختیار تکمیل‌کننده، تکمیل شده باشد، در هر حال - چه پیش یا پس از تکمیل - برای دارنده با حسن نیت قابل استناد خواهد بود.

در پایان، باید گفت که واژگان به کار رفته در ماده ۷۰۷ لایحه بسیار همانند ماده ۱۲ ک.آ. است. از این رو، به نظر می‌رسد، همان فرضی که در توضیح‌های پیرامون کنوانسیون آنسیترال بدان اشاره داشتیم، درباره ماده‌ادشده از لایحه نیز به کاربستگی باشد. البته، در این ماده، خلاف ماده ۱۲ ک.آ. میان فرض امضای سند پیش یا پس از تکمیل سند ناقص جدایی افکنده نشده است. از این رو، در هر حال، مسؤول برات می‌تواند در برابر دارنده‌ای که از نبود اختیار تکمیل برات یا برون‌رفت وی از آن آگاهی داشته است، ایراد پیش کشد که به نظر می‌رسد، چنین راهکاری، درست‌تر باشد. با این حال، پرسش این است که آیا می‌توان برات ناقص را پیش از پُر کردن آن امضاء نمود؟ دیدن برداشتی که پیشتر درباره کنوانسیون آنسیترال به میان آمد، پاسخ این پرسش را روشن خواهد کرد.

۳- نکول برات

۳-۱- قبول برات از سوی شخص ثالث

ماده ۷۱۷ ل.ت. به پذیرش برات از سوی شخص ثالث نگریسته است.^{۶۰} اگرچه این ماده همسانی بسیاری با مفاد ماده ۲۳۹ ق.ت. دارد ولی، تفاوت برجسته میان این دو حکم این

۶۰ ماده ۷۵۸ ل.ت. همچون ماده ۳۷۷ پ.ل.ت. و ماده ۶۱ ک.ژ. می‌آورد: «دارنده‌ای که پرداخت توسط شخص ثالث را رد می‌نماید دیگر حق رجوع به برات‌دهنده‌ای که برات او قبول شده است، ظهرونیسان و ضامنان آنها را ندارد». چنین مقرره‌ای نه در قانون تجارت و نه در کنوانسیون آنسیترال دیده می‌شود. در راستای توجیه این مقرره و پاسخ به این پرسش که چرا همچون حکم این ماده، درباره پذیرش برات از سوی شخص ثالث چیزی دیده نمی‌شود، می‌توان گفت، همچنان که پیشتر گفته شد، هنگام صدور برات، برات‌کش بر آن است که تعهدی بر دوش شخصی به نام برات‌گیر پدید آورد. اکنون، اگر کسی که نامش به عنوان برات‌گیر در سند آمده است، حاضر

است که در لایحه، پذیرش برات از سوی شخص ثالث وابسته به پذیرش دارنده برات شده است. این در حالی است که در قانون تجارت چنین قیدی دیده نمی‌شود و از این رو، در قلمرو این قانون هرکسی می‌تواند از سوی هریک از متعهدها، برات نکول شده را بپذیرد. همچنین، در پیش‌نویس لایحه نیز چنین بندی دیده نمی‌شود. دلیل وضع این قید روشن است زیرا، پیرو ماده ۷۱۸ ل.ت. قبول شخص ثالث از سوی هریک از متعهدان برات مایه آن است که دارنده حق مراجعه به آن مسؤول و ایادی پس از وی را تا هنگام سررسید نداشته باشد افزون بر اینکه با پذیرش سند بدون کسب موافقت دارنده برات، ممکن است شخصی معسر پذیرنده قرار گیرد که در نتیجه، نه رجوع دارنده به وی سودی داشته و نه اینکه دیگر امکان رجوع وجود خواهد داشت به کسی که از سوی وی چنین شخص ثالثی سند را پذیرفته است و نیز مسؤولان پس از وی. با وجود همه اینها، بررسی سرشت حقوقی عمل قبولی ثالث، دلیل بایستگی پذیرش دارنده را بهتر نشان خواهد داد.

از دید پیامدهای قبولی ثالث، بر پایه ماده ۲۴۰ ق.ت. پذیرش چنین شخصی، تأثیری بر مراجعه دارنده به متعهدان سند نداشته و از این رو، دارنده در هر حال می‌تواند به همه مسؤولان سند تا هنگامی که وجه برات پرداخت نشده است، مراجعه نماید ولی، اینک بر پایه ماده ۷۱۸ ل.ت. با پذیرش برات از سوی شخص ثالث، دارنده تا هنگام پرداخت وجه برات حق رجوع به مسؤولی را که پذیرش به نام وی انجام گرفته، ضامن یا ضامن‌های او و نیز پشت‌نویس‌های پس از وی را نخواهد داشت. با این حال، این ماده، پیرامون عدم ذکر نامی که قبولی به سود وی انجام می‌شود، خاموش است. بر پایه ماده ۷۱۸ ل.ت. می‌توان گفت که می‌بایست پذیرش را از سوی کسی به شمار آورد که با پیدایش آن، مسؤولان بیشتری از مسؤولیت رها گردند که از این رو، باید پذیرش را از سوی برات‌دهنده به شمار آورد. با این حال و با وجود آنچه درباره بایستگی پذیرفتن قبولی ثالث از سوی دارنده گفته شد، به نظر می‌رسد که پذیرنده ثالث می‌بایست به حتم نام کسی را که از سوی وی برات را می‌پذیرد،

به پذیرش تعهد نشود و کس دیگری بخواهد به جای وی برات را بپذیرد، از آنجا که پذیرش وی در حقوق دارنده اثرگذار بوده و پرداخت از سوی وی نیز احتمالی است، قانون‌گذار به دارنده اجازه داده که وضعیت پیشنهاددهنده را از دید دارا یا ندار بودن بسنجد. ولی، در پرداخت از سوی شخص ثالث، هر کسی بی‌آنکه تعهد به پرداخت کند، اقدام به پرداخت می‌نماید. در این سان، روشن بوده هنگامی که کسی به گونه فعلی بر آن است مبلغ برات را بپردازد، خودداری دارنده وجهی نداشته بلکه، نشان از لجبازی یا حتی سوءاستفاده از حق خویش دارد. اینجاست که قانون‌گذار به سرزنش چنین دارنده‌ای اقدام کرده و به نام ضمانت اجرای چنین کاری، کسانی را که با پرداخت از سوی ثالث از مسؤولیت بری می‌شدند، در برابر دارنده معاف می‌دارد.

اعلام نماید. ظاهر ماده ۷۱۷ ل.ت. چنین برداشتی را تقویت می‌نماید. از این رو، گنجاندن نام کسی که برات از سوی وی پذیرفته شده است، منجر به بی‌اعتباری قبولی ثالث خواهد بود. با این حال، می‌توان در حالاتی که نشانه‌ای برای شناسایی چنین کسی یافت، از باورداشت به بی‌اعتباری این عمل عقب‌نشینی نمود.

اکنون سرشت حقوقی عمل قبولی ثالث چیست؟ با یادآوری آنچه درباره ماهیت عمل حقوقی صدور برات گفته شد، باید بیان کرد که پذیرنده ثالث نیز همان پیوند حقوقی را با کسی که از سوی وی برات را می‌پذیرد و دارنده برات خواهد داشت. به دیگر سخن، روشن است که خلاف قرارداد حواله که در آن انتقال دین روی داده و حواله‌شونده، بدهی خویش را می‌پردازد، در پرداخت و قبولی برات از سوی شخص ثالث، پذیرنده به راستی می‌پذیرد که دین برخاسته از سند تجاری‌ای را که با گنجاندن امضای خویش در سند پدید آمده است، بپردازد و بدین‌سان، وی در همان جایگاه برات‌گیر قرار می‌گیرد.^{۶۱} به سخنی رساتر، روشن است که برات‌گیر با نکول خویش، تعهدی را که صادرکننده بر دوشش نهاده نمی‌پذیرد در حالی که اگر اقدام به پرداخت مبلغ سند به عنوان متعهد اصلی سند می‌نمود، بسته به تأمین شدن یا نشدن محل برات نزد خویش، حق رجوع به صادرکننده برات را می‌داشت ولی اینک، شخص سومی، پیشنهاد پذیرش برات را به دارنده می‌دهد در حالی که درباره وی دیگر نمی‌توان تعهدی را که بر پایه توافق میان صادرکننده و دارنده بر دوش برات‌گیر به عنوان شخص معین پدید آمده بود، برجای مانده دانست و از این رو، وی به دارنده، پیشنهاد پذیرش و پرداخت برات را می‌دهد. به دیگر سخن، پذیرنده ثالث با پذیرش برات، تعهد جداگانه‌ای برای خویش می‌آفریند نه آنکه دین شخص دیگری به ذمه‌اش جابجا شود. درباره بایستگی تعیین نام کسی که قبول‌کننده از سوی وی می‌پردازد، همان‌گونه که با ریزی‌بینی گفته شده^{۶۲}، این امر از یک سوی، از آنجا که فرد یا افرادی از امضاءکنندگان تا سررسید از مراجعه دارنده در امان مانده و از سوی دیگر، پذیرنده ثالث بتواند برای دریافت آنچه پرداخت نموده است، به مسؤولی رجوع کند، برقرار است زیرا، خلاف وضع برات‌گیر، پیرامون قبولی ثالث، ظهوری وجود ندارد بر شخصی که به وی قبول‌کننده توانایی بازگشت دارد. پس، دلیل بایستگی موافقت دارنده، نه از دید پیدایش انتقال دین و نه تبدیل تعهد است بلکه با در نظر داشتن اثر

۶۱ فخاری، پیشین (الف)، ۷۲.

۶۲ همان، ۷۵.

پیشین یعنی، ناممکن گشتن رجوع به دیگر مسؤولان برات با قبولی ثالث، دارنده می‌بایست این حق را داشته باشد که از پذیرش اشخاص معسر جلوگیری نماید.

با این حال، تفسیر دیگر چنین می‌تواند باشد که با نگرش به اینکه ثالث باید اعلام نماید که از سوی چه کسی پرداخت وجه را در سررسید می‌پذیرد، چنین عمل حقوقی ماهیت همسانی با عمل ضمانت دارد زیرا، تعیین شخصی که پذیرش به نام وی انجام می‌گیرد، به این دلیل بوده که مسؤولیت پذیرنده ثالث در اندازه مسؤولیت آن شخص است ۶۳ چنانچه ماهیت تعهد پذیرنده ثالث را گونه‌ای ضمانت بدانیم، ثالث پس از پرداخت مبلغ برات حق مراجعه به کسی را که پذیرش به نام او انجام گرفته و ایادی پیش از او خواهد داشت و اگر ماهیت تعهد وی را همچون برات‌گیر بدانیم، وی حق رجوع به مسؤولان برات را نخواهد داشت. ولی، این پنداشت سست را باید از اندیشه زدود زیرا، برجسته‌ترین نکوهش وارد بر این برداشت این است که ثالث ممکن است هرگز قصدی برای تضمین بدهی دیگری نداشته باشد و بر پایه این، بهتر این است که به جای استناد به برداشتی دور، به گونه دیگری ماهیت آن روشن گردد. افزون بر این، بر پایه قاعده کلی، ضمانت‌کننده در صورتی می‌تواند به ضمانت‌شونده رجوع کند که ضمانت با اجازه وی انجام شده باشد در حالی که گفته می‌شود که ثالث به نام ضمانت‌کننده حق رجوع را خواهد داشت و نیازی به گرفتن رضایت مضمون‌عنه ندارد همچنان که برخی از حقوقدانانی که عمل حقوقی قبولی ثالث را بر پایه قرارداد ضمانت توجیه نموده‌اند، در تفسیر امکان رجوع وی به دیگر مسؤولان دچار تنگنا شده و در نتیجه، روی به توجیحات بعیدتری همچون استناد به «اداره مال دیگری» یا «نمایندگی» آورده‌اند در حالی که احتمال پیدایش ماهیت براتی و دارنده شمرده شدن ثالث و توجیه حق رجوع را بر پایه این امر به میان آورده‌اند.^{۶۴} جدای از همه اینها، نگاه به فصل سوم لایحه پیرامون برات که درباره قبولی شخص ثالث است، نشان می‌دهد که نویسندگان لایحه نامی از امکان رجوع پذیرنده ثالث به مسؤولان برات نیاورده یا به وی حقوق و تکالیف دارنده برات را نداده‌اند در حالی که درباره پرداخت از سوی شخص ثالث آشکارا بدان تصریح داشته‌اند (ماده ۷۵۷ ل.ت)، زیرا، قبول‌کننده ثالث ضامن نیست تا قائم‌مقام دارنده گردد بلکه، وی در

۶۳ اسکینی، پیشین، ۸۴

۶۴ صقری، پیشین، ۲۴۰-۲۳۹؛ این حقوقدان به این نکته نیز آگاه بوده که اگر اثر ماهیت حقوقی تعهد پذیرنده ثالث، ضامن شدن است، پس، در حالت از میان رفتن تعهد مضمون‌عنه، تعهد ضامن نیز باید از میان رود که البته، ایشان روی ندادن چنین پیامدی را به دلیل جریان اصل استقلال امضاءها می‌دانند (همان، ۲۴۱).

همان جایگاهی است که برات‌گیر در فرض پذیرش برات در آن قرار داشت. البته، ماهیت تعهدی که قبولی ثالث پدید می‌آید، ماهیت جداگانه‌ای از تعهد براتی نخواهد داشت. به سخنی دیگر، با قبولی ثالث، قبول‌کننده طرفی نسبت به سند تجاری قلمداد شده و نسبت به حقوق و تکالیف برخاسته از آن پایبند شمرده می‌شود.

۴-۱- پشت‌نویسی (ظهر) برای انتقال

۴-۱-۱- شرایط پشت‌نویسی (ظهر)

بر پایه ماده ۷۱۹ ل.ت. برای پیدایش پشت‌نویسی نیازی نیست که امضاء بر پشت برگه گنجانده شود. لایحه همچون ماده ۱۳ ک.ژ. و نیز بند یکم ماده ۱۴ ک.آ. و خلاف ماده ۳۴۴ پ.ل.ت. که آشکارا به بایستگی پیدایش پشت‌نویسی در پشت برات اشاره دارند، انجام آن را بر پشت یا روی برگه ممکن می‌داند. در این باره، هرچند دگرگونی رویکرد لایحه نسبت به پیش‌نویس آن می‌تواند این احتمال را به اندیشه برساند که پشت‌نویسی در برگه‌ای جدای از خود برات نیز معتبر است ولی، شیوه انشای این ماده به ویژه، واژگان پایانی آن، احتمال خلاف این را برتر جلوه می‌دهد. از سویی، هرچند بر پایه ماده ۷۲۷ لایحه گنجاندن تاریخ مزور برای پشت‌نویسی می‌تواند به پیدایش مسؤولیت کیفری امضاءکننده بیانجامد ولی، چنین چیزی آسیبی به اعتبار حقوقی آن نمی‌زند زیرا، از یک سوی، نهی قانون‌گذار در این باره مقتضی فساد عمل حقوقی انجام‌گرفته نیست و از سوی دیگر، هنگامی که نیاوردن تاریخ پشت‌نویسی اثری بر اعتبار پشت‌نویسی ندارد، به طریق اولی، آوردن تاریخی نادرست چنین اثری نخواهد داشت.

درباره شرایط پشت‌نویسی این است که چنانچه این عمل تنها با امضای انجام‌شده و برای نمونه، تنها در برات بیان شده باشد که؛ «این امضاء به عنوان پشت‌نویسی انجام شده است» ولی، هویت پشت‌نویس یا کسی که به نام وی پشت‌نویسی شده است، بیان نگردیده باشد، آیا از اساس، انتقال روی خواهد داد؟ ممکن است، گفته شود که هرچند بر پایه قانون، گنجاندن امضای پشت‌نویس، هویت وی و انتقال‌گیرنده از شرایط پشت‌نویسی است ولی، اگر این امر در برات موجود نبوده ولی، از سوی دارنده (انتقال‌گیرنده) تکمیل گردد، چنین انتقالی با نگرش به ماده ۷۰۷ ل.ت. درست بوده و مسؤولان سند در برابر دارنده ناآگاه نمی‌توانند به نبود اختیار تکمیل‌کننده پشت‌نویسی یا برون‌رفت وی از آن دست بیازند. این برداشت درست نخواهد بود زیرا، ماده ۷۰۷ آشکارا از نقص برات هنگام «صدور» سخن گفته است و نه پشت‌نویسی.

افزون بر این، نویسندگان این لایحه همچون حکم مقرر در ماده ۷۰۷ ل.ت، درباره پشت‌نویسی ناقص، چیزی بیان ننموده‌اند و بدین‌خاطر و در کنار آنچه درباره ماده ۷۰۷ ل.ت، و انصراف واژه «دارنده» به نخستین دارنده گفته شد، باید پذیرفت که پشت‌نویسی‌ای که تنها با گنجاندن امضاء انجام گرفته است، اعتباری نخواهد داشت.

۴-۱-۲- صرف امضاء بر پشت برات به مانند پشت‌نویسی

همان‌گونه که بیان گردید، برای پیدایش پشت‌نویسی نیازی نیست تا شرایط گفته‌شده در پشت برات انجام گرفته باشد. با وجود این، لایحه برای بازشناسی عمل پشت‌نویسی و ضمانت از یکدیگر در فرض ابهام به دلیل صرف وجود امضاء در پشت برات، در ماده ۷۲۰ ل.ت، مقرر نموده است که با پیروی از شرایط ماده ۷۱۹ چنین امضایی نشان‌گر عمل پشت‌نویسی است. از این روی، راست است که این ماده، گشاینده یکی از تنگناهای برجسته پیرامون پشت‌نویسی و انتقال برات به شمار می‌رود مشکلی که در قلمرو قانون تجارت جریان و پاسخ‌های گوناگونی به دنبال داشته است.^{۶۵} همانند همین حکم در بخش دوم ماده ۳۸۴ پ.ل.ت. آمده، هرچند در آن آشکارا بیان نشده بود که چنین امضایی، پشت‌نویسی به شمار می‌آید. بند ۳ ماده ۱۴ ک.آ. نیز با آنکه نیازی به گنجاندن پشت‌نویسی در پشت برگه ندیده است، امضای صرف بر روی برات را البته، اگر از سوی شخصی جز برات‌گیر انجام گرفته باشد، به مانند پشت‌نویسی دانسته است. به هر روی، بنا بر مقررات بالا، ناگفته روشن است که در جایگاه زدودن ابهام، امضای زده‌شده بر روی برات هرگز پشت‌نویسی به شمار نمی‌آید. لایحه نیز اگرچه خلاف ماده ۳۴۳ پ.ل.ت. در ماده ۷۱۹ خود، امضاء بر روی پشت برات را شرط پیدایش پشت‌نویسی ندانسته ولی، ماده ۷۲۰ آن، همچون ماده ۳۸۴ پ.ل.ت. از عبارت «در ظهر سند» بهره گرفته است. از این رو، چنانچه امضاء در پشت سند گنجانده نشده باشد، این ماده درباره آن به کار بستنی نخواهد بود.

همان‌گونه که گفته شد، ماده ۷۲۰ ل.ت. امضای زده‌شده در پشت برگه را که همراه است با شرایط مقرر در ماده ۷۱۹ نشان‌دهنده پشت‌نویسی برات برای انتقال می‌داند. در قلمرو قانون تجارت، به دلیل خاموشی قانون، بیشتر حقوقدانان چنین امضایی را ضمانت دانسته‌اند زیرا، در پشت‌نویسی، بودن دو رکن یعنی، امضاء و انتقال از سوی دارنده بایسته است در حالی

که در ضمانت، هرکسی را توانایی ضامن شدن است هرچند آرای^{۶۶} خلاف این دیدگاه دیده می‌شود. اکنون که تنها یک رکن بر روی سند آمده است و درباره رکن دوم تردید هست، به همان بسنده کرده و اصل بر ضمانت گذارده می‌شود. با این حال، خلاف ماده ۳۸۴ پ.ل.ت. که به عنوان دلیل آن چنین برداشتی پذیرفتنی بود ولی، اینک، با نگرش به واژگان آمده در ماده ۷۱۹ ل.ت. که پشت‌نویسی را منحصر به پشت برات ننموده است و ماده پسین آن که آشکارا به کار بستن فرض بیان‌شده را وابسته به قید امضاء بر روی پشت برات دانسته و توجه به توضیح‌های بالا باید پذیرفت که این ماده از لایحه بر پایه غلبه و ظهور امر بر پشت‌نویسی بودن^{۶۷} چنین امضایی نگارش یافته است و بدین‌سان انگار می‌شود که امضای زده‌شده از سوی دارنده بوده است.

بنا بر آنچه در بالا گفته شد، چنانچه شخصی آهنگ ضمانت کردن را داشته باشد، باید با واژگان آشکاری آن را بیان دارد. با این حال، از آنجا که بر پایه ماده ۷۱۹ ل.ت. شرایط بایسته برای پیدایش پشت‌نویسی منحصر شده‌اند به نام و نام‌خانوادگی امضاءکننده و کسی که به نام وی پشت‌نویسی انجام می‌گردد، اگر هویت امضاءکننده نشان دهد که وی دارنده برات است و نام کس دیگری نوشته شده باشد، از آنجا که ضمانت دارنده بی‌معناست، بی‌آنکه نیازی به دست جستن به حکم ماده ۷۲۰ ل.ت. باشد، باید عمل انجام‌شده را پشت‌نویسی به شمار آورد. البته، چنانچه تنها امضایی بر پشت برات گنجانده شده و نام کس دیگری نیامده باشد، باید آن را ضمانت قلمداد نمود زیرا، بر پایه ماده ۷۲۹ ل.ت. تعیین نام مضمون‌عنه بایسته نبوده در حالی که در پشت‌نویسی تعیین نام کسی که برات به نام وی پشت‌نویسی می‌گردد، ضروری است و اکنون که تنها یک نام بر روی پشت برات آمده، با وجود آنکه ماده ۷۲۰ ل.ت. بودن «عبارات صریح» را بایسته می‌داند ولی، با دست جستن به اصل درستی اعمال حقوقی و حکایت آشکار چنین عملی بر ضمانت و نص ماده ۷۲۹، باید حکم به ضمانت

۶۶ در رأی شعبه ۵۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران که در جایگاه رسیدگی به پژوهش‌خواهی به دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۷۰۱۰۰۶۵۸ مورخ ۱۳۹۱/۰۶/۰۴ صادر شده است، می‌خوانیم: «... زیرا، وفق ظاهر چک مذکور و اعتراض وکلای تجدیدنظرخواه، چک صرفاً به وسیله آقای ... امضاء گردیده که حسب ماده ۲۴۵ قانون تجارت دلالت و ظهور در انتقال دارد و وفق قسمت اخیر ماده ۲۴۹ همان قانون، ضمانت نیاز به تصریح دارد و اصل بر عدم ضمانت است و نظرات دکترین حقوق تجارت نیز مبتنی بر این امر است ...». اداره انتشار رویه قضایی، پیشین، ۱۵۰.

۶۷ برخی از حقوقدانان از این ظهور یا اماره قانونی نام برده‌اند؛ فخاری، پیشین (الف)، ۱۵۷.

شمرده شدن آن داد^{۶۸}. به هر روی، به نظر می‌رسد، افزودن عبارت «واژگان و نشانه‌های روشن» به پایان ماده نیاز باشد. اینک، اگر این ماده درباره امضای زده‌شده روی برات اعمال‌شدنی نیست، امضای انجام‌گرفته ضمانت شمرده می‌شود یا پشت‌نویسی؟ به نظر می‌رسد، در اینجا نخستین استدلالی که در بالا به میان آمد، حکم به ضمانت شمرده شدن آن دهد. البته، شاید چنین گفته شود که اگر امضایی در پشت برگه انجام گیرد ولی، شرایط مقرر در ماده ۷۱۹ ل.ت. را نداشته باشد، این عمل پشت‌نویسی نبوده و با نگرش به ماده ۷۲۹ همین لایحه باید آن را ضمانت به شمار آورد. با این حال، با توجه به توضیحاتی که پیشتر آمد، بی‌گمان، چنین عملی دربر ماده ۷۲۰ ل.ت. قرار نخواهد گرفت زیرا، حکم این ماده پیرامون حالتی است که امضاء و به دیگر سخن، عمل حقوقی‌ای که امضاء بر آن است نشان‌دهندهٔ آن باشد، توانایی پشت‌نویسی قلمداد گشتن را داشته باشد و از این رو، در صورتی ماده ۷۲۰ ل.ت. به کار بسته می‌شود که درباره هویت امضاءکننده و هویت شخصی که ضامن بودنش و یا کسی که پشت‌نویسی به نام وی انجام گرفته است، محل تردید باشد.

۴-۱-۳- پشت‌نویسی بازداشته‌شده و ضمانت‌اجرای آن

برای انتقال برات نیازی نیست تا قید حواله‌کرد بر روی آن گنجانده شود. با این حال، چنانچه انتقال‌ناپذیری برات آشکارا در برات قید گردیده باشد، این عمل، پیامدهایی را خواهد داشت امری که ماده ۷۲۳ ل.ت. بدان اشاره دارد. از آنجا که این ماده، یکی از استثنائات حاکم بر اصل شنیده نشدن ایرادها را در راستای گریز از پرداخت در برابر دارندهٔ برات بیان می‌نماید، حکم این ماده را باید به موارد آمده در ماده ۷۳۵ ل.ت. افزود.

حکم ماده ۷۳۳ ل.ت. به گونهٔ دیگری در مواد ۳۴۲ و ۳۴۳ پ.ل.ت. آمده بود. بر پایهٔ ماده ۳۴۲ انتقال براتی که «قید حواله‌کرد در آن قلم گرفته شده است»، انتقال عادی (ساده) نام گرفته و بر پایهٔ توضیحی که ماده ۳۴۳ ارائه می‌داد، اینگونه بر می‌آمد که چنین انتقالی با وجود بازداشته شدن، انتقال براتی به شمار می‌آید. با این حال، همان‌گونه که در بالا گفته شد، تنها، کسی که انتقال برات را بازداشته است، می‌تواند در برابر دارنده به چنین منعی دست جوید. البته، باید توجه داشت که قید «ممکن نبودن انتقال برات» بر روی برگه مایهٔ آن است

که دارندگان پسین آگاه از این قید فرض گرفته شوند^{۶۹}. ارزشمندی این مقررّه در این است که در قانون تجارت چنین حکمی دیده نمی‌شود و در نتیجه، دکترین حقوقی، گاه^{۷۰} انتقال انجام‌شده را عادی به شمار آورده که به نظر می‌رسد، نویسندگان پیش‌نویس لایحه از آن پیروی نموده‌اند. گاه^{۷۱} گفته شده است که اگر در قرارداد جداگانه‌ای این جایجایی انجام پذیرد، به عنوان انتقال ویژه و نه پشت‌نویسی معتبر بوده و گاهی نیز^{۷۲} پشت‌نویسی را در هر حالت درست دانسته شده است. این ناهم‌دیدگاهی در رویه قضایی نیز دیده می‌شود^{۷۳}. با همه اینها، در لایحه، با بهره‌گیری از ماده ۱۵ ک.ث.ر. پشت‌نویسی معتبر دانسته شده است. با وجود این، روشن نیست که مبنای انتقال عادی دانسته شدن چنین عملی چیست؟ اگر منظور این بوده که با چنین چیزی، دارنده توانایی حقوقی خویش را برای انجام عمل حقوقی از دست می‌دهد، چگونه می‌توان به عمل حقوقی‌ای که به نام پشت‌نویسی انجام شده است، عمل حقوقی دیگری نام گذارد؟ به دیگر سخن، مبنایی که دکترین حقوقی و نویسندگان پیش‌نویس برای عادی شمردن انتقالی - که به راستی قرار بوده پشت‌نویسی باشد - از آن بهره جسته‌اند، چیست؟ به نظر می‌رسد، این برداشت بر پایه این فرض بوده که هرچند انتقال بازداشته شده است ولی، هنگامی که دارنده اقدام به پشت‌نویسی می‌نماید، تنها انتقال به معنای فراگیر آن

۶۹ هم‌چنان که بخش پایانی از رای شعبه‌ی ۴۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران بدان اشاره می‌نماید. (نک. پابری ششم) و در برابر، ادعای نقض نشدن حسن‌نیت در دادنامه‌ی شماره‌ی ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۰۴۰۱۸۲۲ شعبه‌ی ۲۰۸ دادگاه عمومی حقوقی تهران مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۲. اداره‌ی انتشار رویه‌ی قضایی، منبع پیشین، ۷۹۹-۸۰۰.

۷۰. ستوده تهرانی، منبع پیشین، ۵۸.

۷۱. حسنی، پیشین، ۴۸۴.

۷۲. عبادی، پیشین، ۲۳۴.

۷۳. در رأیی که از سوی شعبه ۱۱۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران به تاریخ ۱۳۹۱/۰۹/۲۸ صادر شده، چنین می‌خوانیم: «... خواننده ... مدعی گردیده که چک را به فرزند خواهان پرداخته و در هنگام صدور، عبارت حواله‌کرد را خط زده، فلذا دارنده اولیه مجاز به انتقال آن به خواهان نبوده است، دادگاه ... نظر به اینکه مطابق ماده ۳۱۲ ق.ت ... لذا خط‌خوردگی عبارت حواله‌کرد هیچ‌گونه خللی به دارنده اولیه جهت انتقال آن با ظهرنویسی به شخص ثالث وارد نمی‌سازد ... حکم بر محکومیت خواننده ... صادر و اعلام می‌دارد ...». با وجود این، شعبه ۴۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در جایگاه بررسی به درخواست پژوهش داباخته اینگونه آورده است: «... در مانحن فیه قصد و اراده صادرکننده با توجه به مرادوات مالی، سلب اختیار واگذاری چک موضوع پرونده به دیگران است، با این بیان فقط کسی استحقاق مطالبه وجه چک را دارد که در وجه آن صادر شده است و دارنده چک نمی‌تواند وجه چک را مطالبه کند چرا که دارنده با حسن‌نیت نبوده ... حکم به بطلان دعوا صادر و اعلام می‌گردد». همچنین است رأی شعبه ۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در جایگاه تصمیم‌گیری نسبت به اعتراض به دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۰۴۰۱۸۲۲ شعبه ۲۰۸ دادگاه عمومی حقوقی تهران: اداره انتشار رویه قضایی، پیشین، ۴۹۹ و ۸۰۰.

معتبر شناخته می‌شود. به دیگر سخن، پشت‌نویس بر آن است که سند را به دیگری منتقل نماید در حالی که از انجام چنین کاری بازداشته شده است. پس، هرچند خود انتقال درست است ولی، تابع انتقال موضوع قانون تجارت یعنی، پشت‌نویسی نخواهد بود. در برابر این برداشت باید پرسید، چگونه می‌توان عمل حقوقی‌ای را که به عنوان پشت‌نویسی انجام شده است، انتقال عادی دانست؟ حتی، اگر چنین چیزی شدنی باشد، تکلیف شرطی که پشت‌نویسی را بازداشته است، چه می‌شود؟ به نظر ما باید میان دو حالت جدایی افکند؛ اگر برات بر پایهٔ قراردادی منتقل شود، چنین قراردادی پشت‌نویسی نبوده بلکه، انتقال عادی به شمار می‌آید ولی، اگر به عنوان پشت‌نویسی انجام گیرد، باید گفت که آنچه در برداشت حقوقدانان پنهان مانده، ضمانت اجرای تعهد به انجام ندادن عمل حقوقی است. در این باره، اگر به عنوان قاعده‌ای فراگیر و بر پایهٔ مواد ۴۵۴ و ۴۵۵ ق.م. پذیریم که ضمانت اجرای تخلف از شرط، بی‌اعتباری عمل حقوقی است همچنان که برخی از استادان^{۷۴} به چنین چیزی باور نموده‌اند، باید پذیرفت که عمل انجام‌شده از سوی دارنده، نه پشت‌نویسی شمرده می‌گردد و نه انتقال عادی. با این حال، خلاف دیدگاه گفته‌شده، دیدگاه ما، بر برداشت نشدن قاعده‌ای فراگیر از ماده‌های بالا بوده دربارهٔ ضمانت‌اجرای تعهد به انجام ندادن عمل حقوقی و ماده ۷۲۳ ل.ت. نیز می‌تواند تأییدکنندهٔ این دیدگاه باشد^{۷۵}. از نگاه تطبیقی، در انگلستان، در پروندهٔ «نشال بنک به طرفیت سیلک»^{۷۶} به سال ۱۸۹۱ نیز بودن چنین منعی، سبب ناممکن گشتن انتقال سند دانسته شده است^{۷۷} و در همین راستا، بند یکم از بخش ۸ قانون بروات می‌گوید: «هنگامی که سند دربردارندهٔ واژگانی است که انتقال را باز داشته یا نشان از بایستگی منتقل شدن دارند، چنین چیزی میان اشخاص بعدی معتبر بوده و سند انتقال‌دانی نخواهد بود».

۴-۲- پشت‌نویسی برای وکالت

پیرو مادهٔ ۷۲۱ ل.ت. پشت‌نویسی برای وکالت باید با واژگان آشکاری در سند گنجانده شود ولی، همچنان که پیشتر گفته شد، گاه از نشانه‌های آشکاری برای پی بردن به درون‌مایهٔ

۷۴. مصطفی محقق داماد، قواعد فقه (بخش مدنی ۲) (تهران: سمت، ۱۳۸۴)، چاپ ششم، ۴۷؛ همو: «تحلیل ماده ۴۵۴ قانون مدنی»، مجلهٔ حقوقی دادگستر ۹ (۱۳۷۲)، ۵۴؛ هم‌ایشان: نظریهٔ عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی (قم: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۸)، ۲۷۵.

۷۵. نباید مفاد ماده ۷۲۴ ل.ت. را به عنوان نمونهٔ نقض سخنان گفته‌شده به شمار آورد زیرا، در این ماده خود لایحه برای تخلف از نهی خویش ضمانت اجرای ویژه برقرار می‌نماید.

76. National Bank v. Silke [1891] 1 Q.B. 435.

77. Megrah, *op.cit.*, 74-75.

عمل حقوقی می‌توان کمک گرفت. از این رو، بازنگری در این ماده به گونه‌ای که پذیرش نشانه‌های آشکار را برای هویداسازی درون‌مایه عمل ممکن بداند، بایسته به نظر می‌رسد. اگرچه پشت‌نویسی به عنوان وکالت و به سخنی بهتر، اعطای نمایندگی در راستای گرفتن وجه برات پیرو قواعد فراگیر وکالت است با این حال، در ماده ۷۲۲ لایحه، مواردی بیان شده که با این قواعد تفاوت دارد چه اینکه خلاف مواد ۲۴۷ ق.ت. و ۳۴۹ پ.ل.ت. و در برداشتی صرف از بند «ب» ماده ۲۱ ک.آ. آورده شده است که وکیل برای گرفتن وجه برات، بی‌آنکه ضرورت اقتضاء کند، می‌تواند اقدام به پشت‌نویسی دوباره به عنوان وکالت در وصول نماید که چنین کاری از نمونه‌های بارز وکالت در توکیل به شمار می‌آید. روشن نیست به چه دلیل، با وجود اینکه پیرو مقررات عام، وکالت در توکیل نیازمند اجازه موکل است، این لایحه چنین اختیاری را به وکیل می‌دهد. شگفتی از این است که این لایحه، واخواست و اقامه دعوا برای گرفتن وجه برات را - که دست‌کم، درباره واخواست با نگرش به پیامدهای قانونی آن به عنوان امری مقتضی و یا لازمه انجام مورد نمایندگی بی‌نیاز به تصریح موکل می‌توان پذیرفت^{۷۸} - وابسته به تصریح موکل نموده است (ماده ۶۷۲ ق.م.).

همچنین، در این ماده، چیزی پیرامون پیامدهای برکناری وکیل نیامده است در حالی که این امر یکی از چالش‌های موجود در قلمرو قانون تجارت است اگرچه دکتین حقوقی^{۷۹} این عمل را وابسته به آگاهی صادرکننده و پشت‌نویس نموده‌اند و گرنه، چنین عملی نسبت به ایشان بی‌اعتبار خواهد بود. با وجود این، به نظر می‌رسد، با نگرش به خاموشی لایحه می‌بایست قاعده فراگیر مدنی را به کار بست. از این رو، پیرو ماده ۶۸۰ ق.م. کارهایی که وکیل تا پیش از رسیدن تاریخ برکناری خویش انجام داده است، پابرجا خواهند ماند که از آن جرگه است، واخواست و گرفتن وجه.

۴-۳- پشت‌نویسی برای وثیقه

در زمینه اسناد تجاری در قلمرو قانون تجارت، پشت‌نویسی در راستای گرو گذاشتن سند در نزد دیگری، با نگرش به قواعد فراگیر مدنی دشوار به نظر می‌رسد. اگرچه از سوی نویسندگان^{۸۰} برای گشایش این تنگنا انجام شده است. به هر روی، شناسایی این عمل در

۷۸. حسنی، پیشین، ۴۶۷.

۷۹. همان، ۴۶۷.

۸۰. کاتوزیان، عقود معین (ب)، جلد چهارم، پیشین، ۵۴۷-۵۳۹؛ برخی به گونه مطلق باور به شدنی بودن گرو گذاشتن سند بازرگانی دارند بی‌آنکه، به تنگناهای موجود اشاره نمایند (عرفانی، پیشین، ۴۶). برخی نیز باور به

لایحه با وجود تصریح نشدن بدان در پیش‌نویس و مسکوت ماندنش در قانون تجارت، از نوآوری‌های این لایحه بوده و به راستی، ادامهٔ رهیافت قانون‌گذار بر امکان گرو گذاشتن اسنادی همچون سهام شرکت‌ها به شمار آمده^{۸۱} و نشان‌دهندهٔ واپسین ارادهٔ قانون‌گذار خواهد بود.

البته، با توجه به روشن نشدن چهارچوب فراگیر و کامل این عمل حقوقی می‌بایست پشت‌نویسی به عنوان وثیقه را بخشی از قرارداد رهن و دربر قواعد آن به شمار آورد مگر آنکه در این لایحه، حکم نوینی دربارهٔ آن شده باشد. مقررات ضمانت و به ویژه، ماده ۷۳۲ تأییدکننده این سخن خواهند بود. در نتیجه، امکان وثیقه‌گذارن سند تجاری، استثنایی بر بایستگی عین معین بودن موضوع رهن است که در ماده ۷۷۲ ق.م. برآن پافشاری شده و یا اینکه نویسندگان لایحه سند تجاری را نیز عین به شمار آورده‌اند.

پیرامون پشت‌نویسی به عنوان وثیقه باید توجه داشت که ماده ۷۲۴ ل.ت. حقوق کامل دارندهٔ برات را برای وثیقه‌گیرنده در نظر گرفته زیرا، روشن است که وثیقه گرفتن سند تجاری در راستای بهره‌جستن از حقوق آن و به راستی، رسیدن به پول است. با این حال، پرسش این است که گیرندهٔ برات به عنوان وثیقه می‌تواند برات را به عنوان وثیقه پشت‌نویسی کند؟ از آنجا که گفته شد، کسی که چنین براتی را می‌گیرد، وثیقه‌گذار بوده نه دارنده، روشن است، وی تنها حق دارد که از مورد وثیقه برای رسیدن به طلب خویش بهره‌گیرد نه آنکه آن را دوباره به وثیقه‌گذار. البته، ماده ۷۲۴ ل.ت. کسی را که به دنبال انجام پشت‌نویسی به عنوان انتقال با وجود منع چنین پشت‌نویسی‌ای، وکیل وثیقه‌گذار قلمداد نموده است. به دیگر سخن، این لایحه با پیروی از راهکار کنوانسیون آنسیترال، پشت‌نویسی انجام گرفته را پشت‌نویسی به عنوان وکالت در وصول به شمار آورده‌اند. با این حال، هرچند دلیل پیش‌بینی این مقرره، تعیین تکلیف وضعیت حقوقی دارندگانی است که با وجود منع پشت‌نویسی، سند را به عنوان انتقال دریافت نموده‌اند ولی، هنگامی که روشن است، پشت‌نویسی انجام گرفته برای انتقال برات بوده است، روشن نیست چگونه می‌توان آن را پشت‌نویسی به عنوان وکالت قلمداد

درستی رهن‌گذارن سند دارند و گاه برای توجیه آن به ماده ۱۰ ق.م. و ۲۷۸ ق.ن. دست‌یازیده‌اند (صقری، پیشین، ۱۶۷-۱۶۴). ولی، برخی دیگر با نگرش به مقررات کنونی چنین چیزی را ناشدنی و توجیه‌های پیش کشیده‌شده را درست ندانسته‌اند (اسکینی، پیشین، ۱۰۷-۱۰۴؛ بهرامی، پیشین، ۱۳۳-۱۳۲).

۸۱. فخرالدین اصغری آق‌مشهدی، حمید میری، «رهن اسکناس»، نامه مفید ۷۳ (۱۳۸۸)، ۱۱۲.

نمود؟ راست است که لایحه در راستای گریز از کاربست قواعد فراگیر مدنی و در نتیجه، معتبر یا نافذ نبودن چنین پشت‌نویسی‌ای چنین رویکردی را در پیش گرفته است.

۵- ضمانت: شرایط و چگونگی شناسایی سرشت صرف امضاء بر روی برات

در این باره به نظر می‌رسد که بر پایه ماده ۷۲۹ ل.ت. خلاف پاراگراف نخست ماده ۳۱ ک.ژ. و بند ۲ ماده ۴۶ ک.آ. ضمانت نمودن تنها بر روی برگه برات شدنی باشد.

خلاف امضاء بر پشت برات که پیرو ماده ۷۲۰ ل.ت. ظهور در پشت‌نویسی داشت، ماده ۷۲۹، چنانچه امضایی بر روی برات زده شود، اصل بر ضمانت بودن آن است. در این زمینه، حکم این ماده از لایحه همانند پیش‌نویس است. با این حال، این ماده که از پاراگراف سوم ماده ۳۱ ک.ژ. پیروی نموده، دربردارنده حکمی است که در پیش‌نویس نیز دیده نمی‌شود به این معنا که اگر روشن شود، امضای زده‌شده بر روی برات از سوی برات‌دهنده یا برات‌گیر انجام گرفته است، دیگر اصلی که در گفتار پیرامون پشت‌نویسی از آن یاد نمودیم، جاری نخواهد شد زیرا، هرگاه هویدا شود که امضای زده‌شده روی برات، امضای برات‌دهنده بوده، ظاهر این است که این همان امضای بایسته برای صدور برات است.^{۸۲} همچنین، اگر روشن شود که این امضاء، امضای برات‌گیر است، پیرو ماده ۷۱۱ لایحه، ظاهر این است که امضای زده‌شده امضای قبولی برات به شمار می‌آید نه ضمانت جدای از اینکه، ضمانت برات‌گیر با نگرش به مسؤولیت اصلی وی برای پرداخت برات بیهوده خواهد بود.^{۸۳} واژگان به کار رفته در بند ۴ ماده ۴۶ ک.آ. همسان با دو مقررّه بالا بوده، با این جدایی که این بند، در کنار نام برات‌کش و برات‌گیر، نام پرداخت‌کننده ثالث را نیز آورده است.

اکنون، پرسش این است که با نگرش به آنچه پیشتر درباره امکان بهره‌گیری از نشانه‌ها برای شناسایی ماهیت راستین عمل گفته شد، چه نشانه‌ای برای پشت‌نویسی شمرده شدن چنین امضایی می‌توان به دست داد؟ در پاسخ می‌توان گفت که اگر روشن شود، امضای زده‌شده بر روی برات از سوی دارنده بوده است و در برات نام کسی آمده باشد که دربر هیچ‌یک از مسؤولان برات قرار نمی‌رود، باید چنین امضایی را از برای پشت‌نویسی دانست. حتی، می‌توان گفت که اگر تنها، امضای دارنده بر روی برات بوده و نام کس دیگری گنجانده

۸۲. حتی، اگر برات‌کش امضاء نموده باشد، باز هم ضمانت دانستن این امضاء بیهوده است زیرا، برات‌کش با کشیدن برات دربر مسؤولان برات خواهد رفت.

۸۳. از این رو، از این مواد، پذیرفته نشدن ضمانت مسؤولین برات به گونه ضمنی برداشت می‌شود.

نشده باشد، چنین امضایی را باید در راستای انجام عمل حقوقی پشت‌نویسی دانست ولی، از آنجا که شرایط بایسته برای پشت‌نویسی رعایت نشده است، آن را بی‌اعتبار به شمار آورد.

به هر روی، پیرو ماده ۷۲۹ ل.ت. در صورتی که روشن باشد، امضای زده‌شده، امضای ضامن است و یا اینکه با کاربستِ ظهور بیان‌شده، چنین نتیجه‌ای به دست آید، چنانچه کسی که از وی ضمانت شده روشن نباشد وابسته به اینکه برات از سوی برات‌گیر مورد پذیرش قرار گرفته باشد، ضمانت از سوی برات‌گیر و گرنه از صادرکننده برات به شمار می‌آید. با این حال، پیش‌نویس لایحه این بخش‌بندی را لحاظ ننموده و تنها ضمانت را از صادرکننده قلمداد نموده بود. در این باره، هرچند روشن است، برات‌گیری که برات را نپذیرفته است، مسؤول به شمار نیامده و تعهد براتی نخواهد داشت تا ضامن بتواند از وی ضمانت کند ولی، واژگان به کاررفته در لایحه از پیش‌نویس دقیق‌تر است زیرا، ماده ۳۸۴ پ.ل.ت. بدون نگرش به پذیرش برات از سوی برات‌گیر، ضمانت انجام‌گرفته را در هر حال، از سوی برات‌کشنده برشمرده است. دلیل حکم نویسنده‌گان پیش‌نویس، دکترین حقوقی است که به دلیل خاموشی قانون تجارت، در چنین حالتی، ضمانت را از سوی کسی به شمار می‌آورد که بتواند بیشتر کسان از جرگه مسؤولین برات را از زیر بار مسؤولیت برهاند که در نتیجه، ضمانت از برات-دهنده قلمداد می‌گردد^{۸۴}. ولی، به نظر می‌رسد، لایحه به جای بهره گرفتن از این راهکار غیرحقوقی، در جایی که برات از سوی برات‌گیر پذیرفته شده است، از این اماره کمک گرفته‌اند که ضامن بر آن بوده است که از مسؤول اصلی برات ضمانت کند و در جایی که برات قبول نشده است، دوباره به راهکاری که پیش‌نویس لایحه بدان گرایش نشان داده بود، بازگشت نموده‌اند. همچنین، چنانچه برات از سوی شخص سومی مورد پذیرش قرار گیرد، ضمانت را باید از برات‌کش به شمار آورد زیرا، قلمداد نمودن ضمانت از برات‌گیر تنها در جایی است که برات از سوی وی مورد پذیرش قرار گرفته و از آنجا که گفتیم، این راهکار بر پایه اماره به دست داده شده است، باید پذیرفت که چنین اماره‌ای درباره قبول‌کننده ثالث جریانی نخواهد داشت.

۸۴. کاویانی، پیشین، ۱۱۴؛ حسین خزایی، حقوق تجارت (اسناد تجاری) (تهران: مؤسسه نشر قانون، ۱۳۸۵)،

نتیجه

هرچند تعریف داده‌شده از برات از ویژگی‌های برجسته این لایحه به شمار می‌آید ولی، نویسندگان لایحه با الگوگیری از مقررات بین‌المللی پیرامون برات، تعریفی به دست داده‌اند که به نتیجه برات و فرایند کشیدن تا پرداخت آن می‌نگرد. به نظر می‌رسد، باید ماهیت حقوقی برات را عملی ویژه دانست. با این حال، شاید بررسی بیشتر آنچه که در هنگام کشیدن برات تا پذیرش برات و پشت‌نویسی روی می‌دهد، احتمال تعهد یک‌سویه را برتر نشان دهد. همچنین از نمای لایحه برمی‌آید، برات‌گیر باید شخص جدایی از برات‌کش باشد. با تکمیل برات ناقص، سند از هنگام کامل شدن دارای اعتبار برات خواهد شد. بازداشتن از پشت‌نویسی سبب بی‌اعتباری تخلف از شرط نخواهد شد و به دیگر سخن، این لایحه گویای یکی از نشانه‌هایی است که از آن برای یافتن ضمانت‌اجرای تخلف از شرط حقوقی می‌توان بهره گرفت. پذیرش پشت‌نویسی برای وثیقه از ویژگی‌های برجسته دیگر این لایحه به شمار آمده و نشان‌گر دگرگونی اندیشه قانون‌گذار پیرامون موضوع قرارداد رهن خواهد بود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- اداره انتشار رویه قضایی، *آرای دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (حقوقی)*. چاپ یکم. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۹۳
- اسکینی، ربیعا. *حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک)*. چاپ نهم. تهران: سمت، ۱۳۸۴.
- اصغری آق‌مشهدی، فخرالدین، حمید میری. «رهن اسکناس». *نامه مفید* ۷۳ (۱۳۸۸): ۱۲۴-۱۰۵.
- افتخاری، جواد. *حقوق تجارت سه: نظری و کاربردی، اسناد تجاری، بانکی، خزانه، اوراق قرضه و اسناد حمل و نقل*. چاپ نخست. تهران: انتشارات کیا، ۱۳۸۰.
- بهرامی، بهرام. *حقوق تجارت کاربردی*. چاپ یکم. تهران: نگاه بینه - بهنامی، ۱۳۸۲.
- حسینی، حسن. *حقوق تجارت*. چاپ نخست. تهران: نشر میزان، ۱۳۷۸.
- خزایی، حسین. *حقوق تجارت (اسناد تجاری)*. چاپ نخست. تهران: مؤسسه نشر قانون، ۱۳۸۵.
- رسایی‌نیا، ناصر. *کلیات حقوق بازرگانی (تجارت)*. چاپ دوم. تهران: ویستار، ۱۳۷۴.
- زارعی، رضا، حمید میری. «بازخوانی ویژگی‌های اختصاصی شرکت سهامی از دریچه لایحه جدید قانون تجارت». *حقوق خصوصی دوره هفتم* ۱۷ (۱۳۸۹)، ۱۶۵-۱۹۳.
- ستوده‌ی تهرانی، حسن. *حقوق تجارت: اسناد تجاری*. جلد سوم. چاپ یازدهم. تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۶.
- سکوتی، رضا. «جایگاه امضاء در اسناد تجاری و آثار آن با نگرشی در لایحه قانون جدید تجارت» در *مجموعه مقالات همایش ملی نقد و بررسی لایحه جدید قانون تجارت*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه، ۱۳۹۱: ۱۷۶-۱۳۵.
- شبروی، عبدالحسین، حمید میری. «بررسی تطبیقی انتقال الکترونیکی اسناد تجاری (برات، سفته و چک)»، *مجله اندیشه‌های حقوقی* ۱۳ (۱۳۸۷): ۳۰-۵.
- صقری، محمد. *حقوق بازرگانی: اسناد*. جلد نخست. چاپ یکم. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰.
- عبادی، محمدعلی. *حقوق تجارت*. چاپ هفتم. تهران: گنج‌دانش، ۱۳۷۰.
- عرفانی، محمود. *حقوق تجارت*. جلد سوم. چاپ دوم. تهران: میزان، ۱۳۸۵.
- فخّاری، امیرحسین. *جزوه حقوق تجارت سه*. دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، بی‌تا.
- فخّاری، امیرحسین. *حقوق تجارت، اندیشه‌های حقوقی ۳*. چاپ دوم، تهران: مجد، ۱۳۸۹.
- کاتبی، حسین‌قلی. *حقوق تجارت*. تهران: پیام، ۱۳۵۴.
- کاتوزیان، ناصر. *اثبات و دلیل اثبات*. جلد یکم. چاپ چهارم. تهران: میزان، ۱۳۸۵.
- کاتوزیان، ناصر. *عقود معین*. جلد چهارم. چاپ پنجم. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵.
- کاویانی، کوروش. *حقوق اسناد تجاری*. چاپ نخست. تهران: میزان، ۱۳۸۳.
- محقق‌داماد، مصطفی. «تحلیل ماده ۴۵۴ قانون مدنی». *مجله حقوقی دادگستر* ۹ (۱۳۷۲): ۵۴-۴۵.
- محقق‌داماد، مصطفی. *قواعد فقه (بخش مدنی ۲)*. چاپ ششم. تهران: سمت، ۱۳۸۴.

محقق داماد، مصطفی. *نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی*. قم: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۸.

محمّدی، سام، حمید میری. «بررسی تطبیقی ارائه ادله الکترونیک در دادگاه؛ اشکال و اعتبار آن». نامه مفید ۷۶ (۱۳۸۸): ۱۷۳-۱۵۱.

مسعودی تفرشی، بابک. «وکالت ظاهری در حقوق اروپا و تجارت بین‌الملل». *مجله کانون وکلا* ۲۰۰ و ۲۰۱ (۱۳۷۸): ۱۴۲-۱۳۴.

میری، حمید، مصطفی عابدین‌پور. «بررسی مقررات برات از دریچه لایحه نوین تجارت» در مجموعه مقالات همایش ملی نقد و بررسی لایحه جدید قانون تجارت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه، ۱۳۹۱: ۳۱۴-۲۸۳.

ب) منابع انگلیسی

Borrie, Sir Gordon. *Commercial Law*. England: Butterworth, 1998.

Bradgate, R., F.White. *Commercial Law*. Oxford University Press, 2011.

Hamblin, Clive. *Introduction to Commercial Law*. England: Sweet & Maxwell, 1982.

Howe, Martin. "Electronic Evidence: Can the Lawyers Keep Up?." Paper Presented on Admissibility and the E-Signatures Directive, Chancery Bar Association Seminar, 2005.10.11.

Keenan, Denis. *J. Smith & Keenan's Advanced Business Law*. London: Longman, 2000.

MacIntyre, Ewan. *Business Law*. London: Pearson Longman, 2010.

Megrah, Maurice, F. R. Ryder. *Byles on Bills of Exchange: The Law of Bills of Exchange, Promissory Notes, Bank Notes and Cheques*. 23rd Ed. London: Sweet & Maxwell, 1972.

Rowland, Diane, Elizabeth MacDonad. 2nd Ed. *Information Technology Law*, England: Cavendish Publishing Limited, 2000.

UNCITRAL. "Explanatory Note by the UNCITRAL Secretariat on the United Nations Convention on International Bills of Exchange and International Promissory Notes". Last Visited 2017.

<http://www.uncitral.org/pdf/english/texts/payments/billsnotes/Bills_of_Exchange_expl_Note.pdf>.

The Fundamental Survey on Some Aspects of Bill of Exchange Based on Regulations of the New Commercial by-Law

Dr. Hamid Miri

Assistance Professor of University of Gonbad Qavous
Email: Ha_miri@sbu.ac.ir

&

Sirous Shahriari

Instructor of Azad University of Boushehr
Email: Sirousshahryari@gmail.com

&

Mostafa Abedinpour

Master of Sciences in Private Law
Email: Mostafaabdeinpour@gmail.com

In order to eliminate defaults of the current commercial code has been tried to codify the new commercial by-law based on general rules and regulations such as Geneva and Uncritical instruments on bill of exchange and promissory note. Thus, we are able to count some the most important features of this bylaw; the definition of bill of exchange, stipulation to some fundamental feature of bill of exchange as a commercial instrument including independence of signatures principle, possibility of completing incomplete instrument, possibility of mortgaging and endorsement to pledge and presenting an explicit solution for recognizing the legal nature of putting signature act on bill. Notwithstanding, there are some denunciations; absent of considering legal nature of bill of exchange and some important definitions such as signature definition.

Keywords: Legal Nature, Inchoate Instrument, Acceptance by the Third Party, Endorsement, Guaranty.

Journal of **LEGAL RESEARCH**

VOL. XVI, No. 2

2017-2

- **Explaining the Principles of Banking Regulation in the Perspective of the Legal System of Iran**
Dr. Ali Akbar Gorji - Dr. Hedieh Sadat Mirtorabi
- **Determination Responsible for the Accident between Car Owner and Driver in Mandatory Insurance Law of Civil Liability Owner of Motorized Vehicles**
Dr. Hamid Bahrami Ahmadi - Reza Aghaabbasi
- **The Basis and Extent of Civil Liability of the Contractor**
Shahram Karimi Tazehkand - Dr. Mahmoud Erfani - Dr. Javad Vahedi Zadeh
- **International Law: The Law Based on the Coordination or Conflict?**
Dr. Hoorieh Hosseini Akbarnezhad - Dr. Hale Hosseini Akbarnezhad
- **Investigation of Juridical Principles of Article 852 of Civil Code**
Dr. Sayyed Mohammad Sadegh Tabatabaei - Fatemeh Karimi
- **The Principles of Independence and Impartiality in the Public Service Broadcasting with Emphasis on Iran**
Nafiseh Moarefi
- **Determination of Legal Regime Governing Commercial - Tourism Space Flights**
Amineh Farasatmand
- **The Fundamental Survey on Some Aspects of Bill of Exchange Based on Regulations of the New Commercial by-Law**
Dr. Hamid Miri - Sirous Shahriari - Mostafa Abedinpour
- **Review Iranian Legislative Election Venue from the Viewpoint of the Criteria for Free and Fair Election Venue**
Seyed Yasin Hosseini
- **Examining Law System of Health Service Insurance in Iran with Comparing Health Insurance in America**
Dr. Emran Naimi - Mohammad Sharifi Soltani
- **The Impact of Laws on Property Ownership on Urban Real Estate Transactions**
Shahnaz Seifolahi



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study